

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۸۷

جمعه ۱۱ آبان ۱۳۹۷، ۲ نوامبر ۲۰۱۸

سیر تحولات جنبش زنان و انقلاب زنانه در ایران در چهار دهه گذشته

بخش اول متن پیاده شده برنامه خیابان، میزگرد با شهلا دانشفر، مینا احدی، مصطفی صابر و شیرین شمس تهیه و تنظیم: کیان آذر، شیرین شمس

صفحه ۶

دخترمیدان انقلاب کجاست؟

صفحه ۱۲

انقلاب زنانه

دانشجویان در همبستگی با

اعتصابات سراسری معلمان و علیه وضعیت ضدانسانی موجود دست به تجمع و اعتراض زدند

سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۱۴

دانشجویان سراسر کشور

وقت اعتصابات سراسری شما فرارسیده است

سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۱۲



سفارت های جمهوری اسلامی باید برچیده شوند!

صفحه ۲

ادامه اعتصاب کارگران راه آهن

صفحه ۲

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

کاظم نیکخواه: سرویس مدرسه در سیستان و بلوچستان

حسن صالحی: علیه قتل خاشقجی و مدافع کشتار در ایران

شهاب بهرامی: پیروزی "مینی ترامپ" در انتخابات برزیل

صفحه ۴

کارگران در هفته ای که گذشت

کارگری و اجتماعی نمونه هایی از این تلاشهاست. از جمله در جریان اعتراضات رانندگان کامیون و کامیونداران که دامنه اش بیش از ۳۲۰ شهر را در بر گرفت، ۲۶۲ نفر از رانندگان اعتصابی بازداشت شدند و همچنان در زندانند و در اظهارات مقامات رژیم بعضا تهدید به مجازات های سنگینی شده اند.

صفحه ۵

اعتراضات سراسری خود به میدان می آیند، حکومت اسلامی در اوج استیصالش می کوشد تا با دست بردن به ابزار سرکوب شانس خود را امتحان کند. تا بلکه ذره ای از شدت فضای پر تلاطم جامعه بکاهد. احضار فعالین کارگری و اکتیویست های اجتماعی، صدور احکام زندان و شلاق برای فعالین

شهلا دانشفر

سرکوبگری های حکومت، مقابله مردم

در شرایطی که جنبش سرنگونی هر روز در پیچه جدیدی در مقابل خود باز میکند و به جلو می رود. در شرایطی که بخش های مختلف جامعه هر روز وسیعتر و سازمانیافته تر با

انقلاب اکتبر و انقلاب آتی در ایران

مصاحبه با کاظم نیکخواه

صفحه ۳

پیرامون اجرایی شدن دور دوم تحریمهای آمریکا از ۱۳ آبان

صفحه ۹

محمد شکوهی

لویی جرگه به سبک احزاب حاکم

بر اقلیم کردستان عراق

در حاشیه گماردن رئیس پارلمان

عبدل گلپریان

صفحه ۱۰

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

دور چهارم اعتصاب سراسری رانندگان کامیون آغاز شد اولین خواسته رانندگان کامیون آزادی ۲۶۲ همکار بازداشتی آنهاست

امروز دهم آبانماه چهارمین دور اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران آغاز شد. فراخوان این اعتصاب از سوی "اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسری کشور" داده شده است. رانندگان کامیون با اعلام اینکه هیچکدام از قولهایی که توسط دولت داده شد، عملی نشده است دور دیگری از اعتصابات سراسری شان را آغاز کرده و اولین خواست خود را آزادی بلادرنگ ۲۶۲ همکار زندانی خود اعلام کرده اند. گزارشات اولیه از خلوت بودن جاده ها از جمله در مسیرهای اصفهان، شادگان، زنجان، شاهرود، گنبد، پایانه عسلویه، نجف آباد، آزاد شهر و خط زنجان تبریز خبر میدهند.

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیونداران در دور قبل دامنه اش به ۳۲۰ شهر رسید. حکومت اسلامی با دستگیری ۲۶۲ نفر از آنان و تهدید بازداشت شدگان به مجازات های سنگین تلاش کرد، مبارزات رانندگان کامیون را عقب بزند. اما رانندگان کامیون با فراخوان به اعتصاب برای آزادی تمامی همکاران بازداشتی و پیگیری خواستههایشان پاسخ درخوری به این سرکوبگری ها داده و اعلام کرده اند که تا آزادی همکارانشان اعتصاب ادامه خواهد داشت.

علاوه بر خواست آزادی رانندگان بازداشتی، اعتراض رانندگان کامیون و کامیونداران به گرانی ها و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدشان، به حقوقهای زیر خط فقر، به شرایط سخت کاری و کار در جاده های نا امن، و به محرومیت از هر گونه تامین اجتماعی میباشد.

رانندگان کامیون به کل بساط دزدسالار حاکم اعتراض دارند. رانندگان اعتصابی با تاکید بر همبستگی بخشهای مختلف مردم و اعلام اینکه درد ما درد همه مردم

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ آبان ۱۳۹۷، ۱ نوامبر ۲۰۱۸

سفارت های جمهوری اسلامی باید برجیده شوند!

اسلامی کرده است. این شرایط اجازه میدهد که با بسیج گسترده تر افکار عمومی این دولت ها را وادار کنیم که دست از مداخلات با جمهوری اسلامی بردارند.

حزب کمونیست کارگری اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند. کلیه فعالیت ها، اقدامات و طرح های تروریستی جمهوری اسلامی که طی چند دهه در اروپا صورت گرفته و بعضاً علنی نشده اند باید به اطلاع افکار عمومی رسانده شود و آمرین و سازماندهندگان ترورها معرفی و مورد محاکمه قرار گیرند. سفارت های جمهوری اسلامی در همه کشورها باید برجیده شود و رابطه سیاسی دیپلماتیک با این رژیم کاملاً قطع شود.

شیشه عمر این حکومت در دست مردم ایران است که مبارزه جانانه ای را برای سرنگونی جمهوری اسلامی شروع کرده اند و حمایت جهانی از مردم ایران بعنوان قربانیان تروریسم جمهوری اسلامی و انزوا بین المللی این حکومت، امر سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مردم به جان آمده ایران را تسهیل خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ آبان ۱۳۹۷، ۱۳۱ اکتبر ۲۰۱۸

ترور شد. روز ۲۷ تیر امسال اقبال مرادی در کردستان عراق توسط آدمکشان جمهوری اسلامی به قتل رسید و روز ۲۵ مهر فرسید هکی در تهران بدست آدمکشان جمهوری اسلامی ربوده شد و جسد او سوزانده شد. این گوشه ای از پرونده ۴۰ سال تروریسم جمهوری اسلامی علیه مردم ایران است که در داخل مرزهای ایران بی وقفه و روزانه ادامه داشته است.

دولت های غربی علیرغم موارد زیادی از اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی، یا سکوت کرده و یا عکس العمل ملایمی از خود نشان داده اند و هرگز نه حاضر شده اند اطلاعات جامعی در این زمینه در اختیار افکار عمومی قرار دهند و نه روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی قطع کنند. حتی فتوای آشکار قتل سلمان رشدی و مسئولین انتشاراتی هایی که کتاب او را منتشر کرده بودند توسط خمینی عکس العمل قابل توجهی را توسط دول اروپایی ایجاد نکرد. اما اوجگیری مبارزه مردم ایران در یکسال گذشته و جنایات بیشمار سایر جریانات تروریست اسلامی در کشورهای غربی شرایطی ایجاد کرده که دول اروپایی را وادار به عکس العمل نسبتاً تندتری علیه تروریسم جمهوری

سه شنبه ۸ آبان دولت دانمارک اعلام کرد که طرح ترور حبیب جبر از فعالین عرب زبان ایرانی ساکن دانمارک را کشف و خنثی کرده و فردی را که قصد ترور او را داشته دستگیر کرده است. دولت دانمارک سرویس های اطلاعاتی جمهوری اسلامی را طراح عملیات ترور معرفی کرد و در اعتراض سفیر خود در تهران را فرا خواند. بلافاصله پس از این واقعه، دول اسکاندیناوی در بیانیه مشترکی اعلام کردند که این موضوع را بشدت جدی تلقی میکنند و اعلام آمادگی کرده اند که در برابر چنین تهدیداتی شانه به شانه یکدیگر بایستند. اتحادیه اروپا نیز طرح ترور در دانمارک توسط جمهوری اسلامی را محکوم کرد.

تروریسم جمهوری اسلامی در اروپا تازگی ندارد. از بدو روی کار آمدن جمهوری اسلامی، ترور و کشتار سازمانیافته مخالفین در داخل و خارج مرزهای ایران پیوسته در دستور کار این حکومت بوده است. چهار ماه قبل طرح یک اقدام تروریستی جمهوری اسلامی در فرانسه خنثی شد و منجر به اخراج یک دیپلمات جمهوری اسلامی از فرانسه و دستگیری یک دیپلمات جمهوری اسلامی در آلمان و تحویل آن به دولت بلژیک شد. آبان سال قبل یکی از مخالفان جمهوری اسلامی در هلند

ادامه اعتصاب کارگران راه آهن

بر متن شرایطی دید که اعتصابات سراسری به گفتمان رایج در میان کارگران تبدیل شده است. یک وجه مهم اعتراضات کارگران راه آهن تاکید آنان بر خواستههای سراسری ای چون حق تشکل، حق تجمع و لغو قراردادهای موقت کاری و قراردادهای دائم کاری است و مبارزات آنها به سهم خود نقش مهمی در جلو آوردن این خواستها در کل جنبش کارگری ایفا میکند. مبارزات کارگران راه آهن و خواستههایشان شایسته وسیعترین حمایت هاست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ آبان ۱۳۹۷، ۱ نوامبر ۲۰۱۸

کاری دو موضوع اصلی اعتراضات ۶۵۰۰ کارگر راه آهن است. روس خواستهای کارگران راه آهن عبارتند از تسویه حساب کامل حقوقها، پرداخت بیمه درمانی، لغو قراردادهای موقت و انعقاد قراردادهای دائم کاری، حق تشکل، داشتن حق تجمع و برگزاری آن در هر زمان که کارگر برای طرح مشکلاتش نیاز دارد، متوقف کردن اخراج کارگران تحت عنوان "تعدیلی" و اعلام تاریخ دقیق پرداخت حقوق از سوی مدیریت. کارگران خواهان اجرای فوری همه این خواستها هستند. کارگران راه آهن در شهرها و مناطق مختلف بین ۳ تا ۴ ماه دستمزد طلب دارند. اعتصاب کارگران راه آهن را باید

بدنبال فراخوان به اعتصاب سراسری کارگران راه آهن برای روزهای ۵ تا ۱۰ آبان در این هفته کارگران راه آهن نواحی ریلی هرمزگان، شاهرود، دامغان، دیزبچه، سمنان، زاگرس، اندیمشک، و در شهرهایی در لرستان دست از کار کشیدند و تجمعاتی در محل کار خود برپا کردند. این اعتراضات ادامه دارد و امروز کارگران راه آهن در حوزه اسلامشهر، رباط کریم و ایستگاه کرج نیز وارد اعتصاب شدند.

این چندمین بار در سال جاریست که این کارگران با اعتصاب سراسری خود پیگیر خواستهها و مطالباتشان میشوند. دستمزدهای پرداخت نشده و قراردادهای موقت

انقلاب اکتبر و انقلاب آتی در ایران مصاحبه با کاظم نیکخواه



سخت است. اما از جنبه هایی میشود اوضاع ایران و روسیه آن زمان را مقایسه کرد. همانطور که گفتم فضای پرشور و انقلابی ای که در جامعه امروز ایران وجود دارد به دوره قبل از انقلاب و قبل از سرنگونی تزار شباهت بسیاری دارد. یک فضای امید، اتحاد و اعتراض و حق خواهی در روسیه وجود داشت و اعتراضات و اعتصابات کارگری آن جامعه را به لرزه در آورده بود. در ایران نیز شاهد جنبش و اعتراض کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان، مالباختگان، رانندگان و در واقع کل جامعه هستیم که هرروز در گوشه ای سر بلند میکنند.

یک شباهت دیگر اوضاع ایران با قبل از سرنگونی تزار، بن بست کامل سیاسی و اقتصادی حکومت است. در روسیه نیز تزار از نظر اقتصادی پاسخی به مردم نداشت. شکستهای پی در پی ارتش و تلفات زیاد سربازان در جنگ مردم را به خشم آورده بود. از نظر اقتصادی نیز شیرازه جامعه در اثر جنگ و کل بحران اقتصادی از هم پاشیده بود و فقر عمومی بیداد میکرد. اوضاع ایران هم گرچه جنگی وجود ندارد اما از نظر از هم گسیختگی اقتصادی و فقر مردم و بن بست سیاسی و انزوای حکومت به درجاتی به روسیه شبیه است.

اما تفاوتها هم زیاد است و بنظرم تفاوتها بیشتر به نفع کارگران و مردم در ایران است. در ایران یک حکومت اسلامی و مذهبی سرمایه داران حاکم است و این باعث میشود که فضای ضد مذهبی قوی تر و توده ای تر از روسیه آن زمان باشد. در ایران مبارزات اقتصادی و سیاسی با حکومت طولانی تر ادامه یافته است و این عامل در کنار کل پیشرفتهای تاریخی بشری

بطور محدودی از بالای سن ۳۰ سالگی و بشرط داشتن حد معینی از مالکیت دارای حق رای میشوند و چند سال بعدتر محدودیت مالکیت و اینها نیز روی این حقوق کنار گذاشته میشود.

اما بر گردم به سوال شما و مقایسه شرایط امروز ایران با شرایط روسیه قبل از انقلاب اکتبر. همانطور که میدانیم در روسیه انقلاب در دو مرحله صورت گرفت.



یکی در فوریه یعنی اوایل سال ۱۹۱۷ و دیگری در اکتبر یعنی اواخر سال. در انقلاب فوریه تزار سرنگون شد اما بخشهایی از سرمایه داران لیبرال و محافظه کار قدرت را بدست گرفتند و سعی کردند کارگران و چپها و سوسیالیستها را کنار بزنند و ارکان نظام موجود را حفظ کنند و به جنگ ادامه دهند. نهایتاً بعد از افت و خیزها و کشاکشهای بسیاری در ماه اکتبر (به تاریخ روسی) کارگران و دهقانان برهبری لنین و بلشویکها دست به قیام زدند و کاخ زمستانی را که محل استقرار دولت موقت برهبری کرنسکی بود تصرف کردند و حکومت سرمایه داران را بطور کامل برچیدند و قدرت به دست شوراهای کارگران و دهقانان افتاد.

میبیرسد چه شباهتهایی میان شرایط امروز ایران و شرایط روسیه قبل از انقلاب وجود دارد. مقایسه این دو با توجه به اینکه هرکدام در قرن دیگر و شرایط زمانی کاملاً متفاوتی قرار داشته اند بسیار

با پیروزی انقلاب اکتبر جهان یک تکان عظیم خورد. مردم کشورهای مختلف بدرجات مختلف بیدار شدند. جنبشهای سوسیالیستی و جنبشهای حق طلبانه در کشورهای مختلف سرمایه داری گسترش یافت و فعال شد. جنبش دفاع از حقوق کارگران، جنبش ضد تبعیضات علیه زنان، جنبش ضد تبعیضات ملی و قومی، جنبش حق رای عمومی و

که برای مردم وجود داشت، سرمایه داران را به وحشت انداخته بود. ارتشهای مهاجم از همه طرف دولت تازه پای شورایی را محاصره کردند و جنایات بسیاری برای به شکست کشاندن انقلاب صورت دادند که کتابهایی بسیاری در مورد آن نوشته شده است. در این لشکر کشی از جمله گردانهای متعددی از ارتش انگلیس، فرانسه، آمریکا، کانادا، ایتالیا، هندوستان، استرالیا، رومانی، لهستان، چین، و یونان و همچنین یک نیروی عظیم از ارتش ژاپن و ارتشهای چندین کشور بزرگ و کوچک دیگر شرکت داشتند و هرکدام بخشی از روسیه انقلابی را مورد تهاجم قرار دادند و اشغال کردند. اما این لشکر کشی گسترده که با تبلیغات و سمپاشیها و دروغپردازیهای بسیاری هم همراه بود، فقط در عرض دو سال از جانب ارتش توده ای سرخ که نوپا و کم تجربه بود درهم شکسته شد و همه این ارتشها (بجز ارتش ژاپن که دو سه سال بیشتر مناطقی را تحت اشغال نگه داشت) ناچار به عقب نشینی شدند. این اتفاق بسیار باور نکردنی بود و کسی فکر نمیکرد که کشوری که تازه انقلاب کرده و دولتی که ارتش منظمی نداشت بتواند از این تهاجم عظیم نظامی جان بدر ببرد. راز پیروزی ارتش سرخ یکی اتحاد اکثریت عظیم مردم پشت سر بلشویکها بود و دیگری حمایت مردم جهان از بلشویکها و انقلاب روسیه بود که با کارزارهای گسترده ای در دفاع از بلشویکها همراه بود.

نظامی پیشرفته آن دوره از کشورهای متعدد برای تهاجم به حکومت شوراهای به حرکت در آمدند و این کشور را به محاصره کامل در آوردند. دلیل اصلی حمله به روسیه سمپاشی هایی که علیه بلشویکها میشود، دیکتاتوری و سرکوب نبود. بلکه برعکس "افراط در آزادی" بود. آزادی زنان، آزادی کارگران، اختیارداری کارگران و دهقانان و حق و حقوق نا محدودی که برای مردم وجود داشت، سرمایه داران را به وحشت انداخته بود. بیشتر توضیح دهم روی خود جایگاه انقلاب اکتبر که به یک سالگرد دیگرش وارد شده ایم کمی مکث کنیم. وقتی که به تاریخ آن دوره کمی با دقت نگاه کنیم متوجه میشویم که انقلاب اکتبر نه فقط در روسیه بلکه در کل دنیا تاثیرات عمیقی گذاشت و میشود این را با قطعیت گفت که اکتبر کلا تلقی بشر را از خودش تغییر داد. تا آن زمان در بیشتر کشورهای دنیا کلمه "مردم" در فرهنگ حاکمین معادل بی سرو پاها بود. مردم عملاً هیچ حقی نداشتند. حق رای عمومی وجود نداشت. حق رای زنان وجود نداشت. شرایط کار کارگران در حد بردگی کامل بود و هیچ محدودیتی روی ساعت کار نبود و امثال اینها. با انقلاب اکتبر، در یک کشور بزرگ سرمایه داری کارگران و دهقانان یک دیکتاتوری ارتجاعی و پرآوازه سرمایه داری را در هم پیچیدند و اعلام کردند که از این پس ما خودمان سکان جامعه را در دست میگیریم. اعلام کردند که اختیار دار تمام ارکان جامعه شوراهای کارگران و دهقانان و معلمان و دیگر بخشهای مردم هستند نه نیروهای دست پرورده یک اقلیت از خود راضی و مفتخور. با انقلاب اکتبر سرمایه داران تمام دنیا به وحشت مرگ افتادند. همان زمان که روسیه بعنوان آزادترین کشور دنیا داشت سر بلند میکرد، ارتشهای مجهز به آخرین سلاحها و تانکها و تجهیزات

انتروناسیونال: انقلاب اکتبر ۱۰۱ ساله شد. بسیاری شرایط امروز ایران را با شرایط قبل از انقلاب اکتبر مقایسه می کنند، این مقایسه تا چه میزان واقعی است؟ کاظم نیکخواه: بنظر من تفاوتها بسیار است اما شباهتهای جدی ای هم وجود دارد. از یک جنبه مهم شرایط امروز ایران با شرایط قبل از انقلاب اکثر در روسیه بسیار شبیه است و آن اینست که ایران امروز نیز مثل روسیه آن زمان در آستانه یک انقلاب عظیم و تاریخی و تحول بخش قرار دارد. بگذارید قبل از اینکه مساله مقایسه با ایران را بیشتر توضیح دهم روی خود جایگاه انقلاب اکتبر که به یک سالگرد دیگرش وارد شده ایم کمی مکث کنیم. وقتی که به تاریخ آن دوره کمی با دقت نگاه کنیم متوجه میشویم که انقلاب اکتبر نه فقط در روسیه بلکه در کل دنیا تاثیرات عمیقی گذاشت و میشود این را با قطعیت گفت که اکتبر کلا تلقی بشر را از خودش تغییر داد. تا آن زمان در بیشتر کشورهای دنیا کلمه "مردم" در فرهنگ حاکمین معادل بی سرو پاها بود. مردم عملاً هیچ حقی نداشتند. حق رای عمومی وجود نداشت. حق رای زنان وجود نداشت. شرایط کار کارگران در حد بردگی کامل بود و هیچ محدودیتی روی ساعت کار نبود و امثال اینها. با انقلاب اکتبر، در یک کشور بزرگ سرمایه داری کارگران و دهقانان یک دیکتاتوری ارتجاعی و پرآوازه سرمایه داری را در هم پیچیدند و اعلام کردند که از این پس ما خودمان سکان جامعه را در دست میگیریم. اعلام کردند که اختیار دار تمام ارکان جامعه شوراهای کارگران و دهقانان و معلمان و دیگر بخشهای مردم هستند نه نیروهای دست پرورده یک اقلیت از خود راضی و مفتخور. با انقلاب اکتبر سرمایه داران تمام دنیا به وحشت مرگ افتادند. همان زمان که روسیه بعنوان آزادترین کشور دنیا داشت سر بلند میکرد، ارتشهای مجهز به آخرین سلاحها و تانکها و تجهیزات

تروریسم و حکومت اسلامی

حسن صالحی

روز ۲۹ مهر ماه پلیس امنیتی سوئد در شهر گوتنبرگ يك تبعه نروژی ایرانی تبار را در ارتباط با طرح قتل در دانمارک و واقعه روز ۱۰ شهریور دستگیر و تحویل پلیس دانمارک داد. روز ۹ آبان ماه رئیس پلیس امنیتی دانمارک در جریان يك کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت سرویس های اطلاعاتی جمهوری اسلامی بوسیله فرد دستگیر شده قصد ترور یکی از فعالین جریان را داشته است که خود را «جنبش مقاومت برای آزادی اهواز» میخواند و ساکن دانمارک است. وزیر امور خارجه دانمارک هم در يك کنفرانس مطبوعاتی گفت که نمی تواند بپذیرد که افرادی که با سرویس اطلاعاتی جمهوری اسلامی در ارتباط هستند در خاک دانمارک نقشه سوء قصد علیه افراد طراحی کنند. مرتضی مرادیان سفیر جمهوری اسلامی در دانمارک به وزارت خارج احضار شد و در همانحال وزارت خارجه دانمارک به نشانه اعتراض، سفیر خود را از تهران فراخواند. نخست وزیر دانمارک هم اعلام داشت که با اتحادیه اروپا برای اتخاذ اقدامی مشترک علیه تروریسم جمهوری اسلامی رایزنی خواهد کرد. اتحادیه اروپا هم بلافاصله این طرح تروریستی خنثی شده را محکوم کرد.

جمهوری اسلامی دچار محاصره جدی ای شده است. تقلاهای تروریستی اش در خارج کشور یکی پس از دیگری به شکست و افتضاحی بزرگ تبدیل می شوند. چندی پیش نیز تدارک يك حمله تروریستی در پاریس منجر به دستگیری يك دیپلمات رژیم و دستگیری چند نفر از همکارانشان شد و سرشکستگی و رسوایی زیادی را برای حکومت ببار آورد. دولت فرانسه نیز متعاقباً داریایی بخشی از وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی را مسدود کرد.

حقیقت اینست که دولتهای اروپایی طی چهل سال گذشته کارشان غالباً مامشات با جمهوری

چهارشنبه ۹ آبان وزیران خارجه پنج کشور اسکاندیناوی که در نروژ با یکدیگر ملاقات کردند، با انتشار بیانیه مشترکی از اخبار مربوط به تلاش وزارت اطلاعات ایران برای انجام «سوءقصد» در خاک دانمارک شدیداً ابراز نگرانی کردند. وزیران خارجه دانمارک، سوئد، نروژ، فنلاند و ایسلند همبستگی کامل خود را در این زمینه با «دوستان و متحدان» دانمارکی اعلام کردند. مقامات این کشورها گفته اند که این موضوع را «به شدت» جدی تلقی می کنند و تاکید کردند که «این گونه اقدامات کاملاً غیرقابل قبول است. وزیران یاد شده هرگونه تهدید علیه امنیت کشورهای اسکاندیناوی را «تقبیح» کرده و گفته اند: «مهم است که کشورهای اسکاندیناوی شانه به شانه یکدیگر در برابر تهدیدات پیش روی جوامع خود بایستند». این موضعگیری متحدانه چندین کشور اروپایی يك ضربه مهلکه به دیپلماسی جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی جان به تنش بکنند باز هم يك حکومت تروریست و آدمکش است. هرچند هم که تلاش کند خود را «متمدن» نشان دهد تا مشکل انزوای بین المللیش را تخفیف دهد، اما عملاً نمیتواند دست از صدور تروریسم بردارد. روز ۲۸ سپتامبر یعنی ۱۰ شهریورماه پلیس دانمارک بدنبال دستگیری «يك مظنون» خطرناک راههای ورودی و خروجی به شهر کپنهاگ و منجمله پل طولانی ارتباطی میان سوئد و دانمارک را بست. همه کس می پرسید چه خبر شده است و اینهمه پلیس برای چه همه جا ظاهر شده اند. پیش از آن نیروهای پلیس امنیتی دانمارک خبر داده بودند که ساختمانی در دانمارک که متعلق به یکی از فعالین جنبش «مقاومت اهواز» است زیر نظر نیروهای مشکوکی قرار داشته است. بعد از اینکه این فعال سیاسی مورد تهدید قرار می گیرد، وی از حفاظت پلیس برخوردار می شود.

بازتاب هفته (زیر نظر کاظم نیکخواه)

سرویس مدرسه در سیستان و بلوچستان

کاظم نیکخواه

برای اینکه عزیزانشان مسیر طولانی ای را از این روستا به آن روستا و تا مدرسه طی کنند به شیوه های بسیار خطرناکی متوسل شوند که جان و سلامت بچه ها را در معرض خطرات جدی قرار میدهد. جالبتر از همه اینها اینست که آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان این خبر را بعنوان مژدگانی هم اعلام کرده و گفته است "قرار است بزودی يك انسان خیر مدرسه ای در روستای تپه کنیز شهرستان هیرمند ایجاد کند و در نتیجه مشکل آمد و رفت بچه ها حل خواهد شد!" یعنی حکومت و سیستم و آموزش و پرورشش کار ساده ای را که يك نفر "خیر" یا خر پول بسادگی میتواند انجام دهد تا کنون طی چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی انجام نداده اند. چون پولهای جامعه باید به جاهای مناسبتری نظیر مقر حشد الشعبی عراق و حزب الله لبنان و "حوزه علمیه" قم و جاهای مشابه سرازیر شود. نخیر. این حکومت بدر همان لای جرز میخورد. مردم سزاوار زندگی انسانی تری هستند.



پیروزی "مینی ترامپ" در انتخابات برزیل

دونالد ترامپ بشمار می آیند. بولسونارو در مقایسه با دیگر همتایانش مانند سران مجارستان، اتریش، لهستان و حتی ترامپ، شاید آدمی رک گوتر و مضمم تر بنظر برسد. سخنان نژاد پرستانه، زن ستیزانه و ضد همجنسگرایانه وی نامبرده را به ترامپ برزیل ملقب کرده است. این موجود کف به دهان آورده راست افراطی بعد از قطعی شدن پیروزی اش گفت "زمان لاس زدن با سوسیالیسم، کمونیسم، پوپولیسم و چپ های افراطی به پایان رسیده است" و در یکی از شعارهای انتخاباتی اش گفته بود "باید به چهل یا پنجاه سال پیش یعنی به سالهای دهه شصت تا هشتاد میلادی برگردیم یعنی به دوران دیکتاتوری نظامی که دهها هزار نفر از فعالین کارگری و سوسیالیست و کمونیست، معدوم و سر به نیست شدند. وی در عین حال از نوعی پاکسازی نام برده که "این کشور هرگز به خود ندیده است". در مورد جنبشهای وسیع بیخامنان ها و بیزمین ها می گوید با آنها مانند تروریست ها رفتار خواهیم کرد. او همچنین قول ممنوعیت سقط جنین و کم کردن مالیات ثروتمندان را داده است. الکساندر بوش،

صفحه ۱۱

روز ۸ آبان خبرگزاری ایرنا با انتشار عکس يك وانت درب و داغان که بچه های خردسال دانش آموز را در پشت آن به تعداد زیاد چپانده اند (عکس زیر) نوشته است: "دانش آموزان در مناطق محروم سیستان و بلوچستان برای دسترسی به مدرسه راه دشواری در پیش دارند. در عکس زیر واتی را می بینید که ده ها دانش آموز را به شکلی نالایم به سمت مدرسه می برد" انتشار این عکس توسط خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی در رسانه های اجتماعی بسیار جنجال و اعتراض بپا کرد. همه میگویند آخر این چه حکومتی است که مدرسه رفتن بچه ها و زندگی مردم به این حد نازل سقوط کرده است؟ بالاخره مسئول روابط عمومی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان ناچار به توضیح شد. اما توضیح ایشان جالب تر از خود ماجرا از کار در آمد. چون گفته اند این وسیله را آموزش و پرورش برای دانش آموزان تامین نکرده است بلکه خود اولیای دانش آموزان آنرا سازمان داده اند. واقعا مردم باید بگویند جز اینکه بگویند خاک بر سر آموزش و پرورش و حکومتی که آنچنان جامعه را به محرومیت کشانده است که نه مدرسه ای در نزدیکی شان دارند و نه هیچ سرویسی در اختیار بچه های دانش آموز قرار میدهد که چندین کیلومتر را طی کنند و خود را به مدرسه ای در روستای بعدی برسانند. و اولیای دانش آموزان ناچارند

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری برزیل، روز یکشنبه بیست و هشتم اکتبر با پیروزی قابل پیش بینی ژائیر بولسونارو "میلیونر شصت و سه ساله و نماینده راست افراطی از حزب سوسیال لیبرال پایان یافت. در این کارزار انتخاباتی، رقیب اصلی وی "فرناندو حداد" از حزب سوسیالیست با آرای چهل و پنج درصد، مغلوب اصلی این نمایش رقابتی بود. بولسونارو پس از اعلام نتایج آراء گفت من با اتکا به انجیل و قانون اساسی برزیل حکومت را بدست خواهم گرفت و تاکید کرد که این ماموریت را خداوند به وی هدیه داده است.

پس از پیروزی ایشان، رهبران محافظه کار و راست افراطی، مانند ترامپ، سالوینی از ایتالیا، ماکری رئیس جمهور محافظه کار آرژانتین، جزو اولین کسانی بودند که زودتر از دیگران شادمانی خویش را ابراز نموده و پیام تبریک فرستادند. رئیس جمهور آینده برزیل که کار خود را از ژانویه سال جدید آغاز خواهد کرد قبلاً سروان ارتش و يك کاتولیک خشک مغز بوده که دو سال پیش به کلبسای آنجلیستهای پروتستان پیوست. مقر و مرکز اصلی آنجلیستها یا همان مسیحیان اولترا راست و فاشیست در امریکا است و اینان جزو بزرگترین حامیان

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۱

مورد دیگر ربودن هاشم خواستار دبیر بازنشسته آموزش و پرورش در اول آبان ماه یعنی یک هفته بعد از دو روز اعتصاب بزرگ و سراسری معلمان است. در اول آبان ماه هاشم خواستار دبیر بازنشسته آموزش و پرورش و از چهره های شناخته شده معترض اجتماعی در راه خروج از منزل به باغ شخصی اش، ربوده شد و به بیمارستان روانی ابن سینا در مشهد انتقال یافت. ربودن هاشم خواستار بیش از هر چیز نشانگر این واقعیت است که جمهوری اسلامی که از عواقب اجتماعی دستگیر کردن چهره های شناخته شده و فعالین سرشناس جنبش های بیم دارد، با زبونی تمام دست به آدم ربایی میزند. بر ملا شدن فوری ماجرای ربوده شدن هاشم خواستار در یک روز بعد از این اتفاق، کاراً نبودن این شیوه های جنایتکارانه سرکوب را نیز به روشنی نشان میدهد.

و بالاخره نمونه دیگر از همین دست تعرضات محکوم کردن پانزده تن از کارگران کارخانه هپکو اراک به ۶ ماه تا ۱ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق توسط دادگاه اراک است که بر اساس "دادنامه" کذایی این دادگاه اجرای این احکام به مدت ۵ سال تعلیق میشود. این کارگران به دلیل اعتراض به تعویق پرداخت حقوقها و خطر بیکار شدن از کار خود و تحت اتهاماتی امنیتی مورد محاکمه قرار گرفته و حکم گرفته اند. اعتراضات کارگران هپکو در خرداد ماه امسال و در دو سه سال اخیر و مارش با شکوه آنان در خیابانهای اراک با سرود آزادی "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در راه آزادی" فراموش نشدنی و از نقطه عطف های مهم جنبش کارگری است. جمهوری اسلامی این احکام را برای کارگران هپکو صادر کرده است چون در اوضاع پر تلاطم جنبش کارگری و کل جامعه، نمیشد ساکت از کنار آن بگذرد. در نتیجه دادگاه اراک برای ۱۵ کارگر هپکو احکام شلاق و زندان را صادر اما در هراس از تبعات اجتماعی اجرای چنین احکام کثیفی آنها را تعلیقی اعلام

کرد. و بالاخره دستگیری سه نفر از معلمان در جریان دو روز اعتصاب سراسری قدرتمند آنان در ۲۲ و ۲۳ مهر ماه، مراجعه دو مامور امنیتی لباس شخصی به منزل اقوام همسر جعفر عظیم زاده در شهرستان شوط (منطقه آزاد ماکو) و تهدید آنان به اینکه هر زمان عظیم زاده به آنجا آمد، اطلاع رسانی کنند و برگزاری دادگاه تجدید نظر ابراهیم مددی و داود رضوی دو تن از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد در همین هفته نمونه های دیگری از همین تهدیدات است.

در مقابل این احضارها، این تهدیدات و این حکم دادن ها، ما شاهد جامعه ای هستیم که ایستاده است و هر روز سازمانیافته و معترض تر به جلو می آید و جنگی هر روزه بر سر زندگی و معاش و برای خلاص شدن از کل جهنم جمهوری اسلامی در جریان است.

از جمله دور چهارم اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیونداران با تاکید بر آزادی فوری همکارانشان به عنوان اولین خواست فوری آنان در دهم آبان آغاز شد و اعتراضات قدرتمند آنان موجی از همبستگی جهانی کارگری را همراه داشته است. رانندگان کامیون با این کار راه عملی مقابله با سرکوبگری های حکومت را مقابل چشم کل جامعه گذاشته اند.

علاوه بر اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، زنجیره ای از اعتصابات و تجمعات سراسری در راه است که یک نمونه اش فراخوان معلمان بازنشسته به تجمع سراسری در مقابل صندوق ذخیره فرهنگیان در بیستم آبانماه است. در همین هفته نیز کارگران راه آهن وارد اعتصاب سراسری خود شدند و در کنار همه این ها اعتراضات کارگری هر روز گسترده تر به پیش میرود. این چنین است که زنجیره ای از اعتصابات سراسری و فراخوان به اعتراضات سراسری را شاهدیم. در همین شرایط در هفتم آبان ماه دختر انقلاب بار دیگر به میدان آمد و با برداشتن حجاب و در دست گرفتن بادکنک های رنگی بر فراز میدان انقلاب تهران ایستاد و به آپارتاید

جنسی نه گفت.

واقعیت شورانگیز تر در این اوضاع جلو آمدن هر روز بیشتر گفتمان های رادیکال و چپ در جامعه و نقش ارزنده جنبش کارگری در صف جلوی این اعتراضات است. از جمله اعتراض علیه فاصله عظیم طبقاتی در جامعه، اعتراض علیه زندگی زیر خط فقر و حقوقهای نجومی، اعتراض علیه اختلاس ها و برافراشته شدن پرچم جنبش شورایی از مراکز پر جنب و جوشی چون هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز نشانه های بارز چنین روندی از اوضاع است. این روندی است که کل بساط سرمایه داری حاکم را به چالش میکشد. در چنین فضایی از اعتراض و مبارزه در میان مردم است که نزاعهای حکومتی از هر وقت شدید تر شده و یک نهب دائمی شان به یکدیگر خطر "شورش" مردم است. و این حکومتی است که در سطح جهانی نیز بیش از هر وقت به انزوا کشیده شده است. از جمله بیانیه مشترک ۵ کشور اسکاندیناوی در نهم آبانماه این هفته علیه عملیات تروریستی حکومت اسلامی در خارج کشور و غیر قابل قبول اعلام کردن آن، نشانه بارزی از این انزوا و ضربه سنگینی بر دیپلماسی جمهوری اسلامی است. در برابر چنین اوضاع پر تلاطم و شغف آوری است که جمهوری اسلامی در اوج استیصالش چنین به دست و پا افتاده است.

خلاصه کلام اینکه جواب تعرضات حکومت اسلامی و سرکوبگری هایش فشرده تر کردن اعتراضات ما مردم است. پاسخ آن ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در تمام شهر و شوراها، مستقل کارگری در تمام مراکز کارگری است. و تمام تاکید من اینست که امروز قدرتمند تر از هر وقت میتوان در برابر سرکوبگری های حکومت اسلامی ایستاد و نه تنها این بلکه مبارزات خود را با قدرت تمام به جلو برد. کل بساط این حکومت را باید جارو کرد.

گسترش بیسابقه همبستگی جهانی کارگری

ابعاد گسترده و اجتماعی مبارزات کارگری دارد به موجی گسترده از همبستگی جهانی

کارگری شکل میدهد که نوین است. از جمله در این همبستگی اتحادیه های کارگری در پاسخ به کارزارهای اعتراضی ما دارند از اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار سخن میگویند. دارند از لغو مجازات اعلام و احکام شنیع شلاق سخن میگویند و اینها به نوع بیسابقه اند. همچنین در اقدامی مشترک ۵ فدراسیون اتحادیه های بین المللی کارگری که عبارتند از فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی)، فدراسیون بین المللی ترانسپورت (آی تی اف)، آموزش بین المللی (ای وان)، اتحادیه کارگران صنعتی جهانی، اتحادیه بین المللی غذا، کشاورزی، هتل، رستوران، تغذیه و دخانیات و انجمن کارگران متحد (آی یو اف) و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری بین المللی که در مجموع بیش از ۲۰۰ میلیون نفر از کارگران را در سراسر جهان در بر میگیرند، از خواستها و اعتراضات رانندگان کامیون اعلام حمایت کرده و تقاضای حکم اعدام برای ۱۷ راننده اعتصابی کامیون توسط دادگاه استان قزوین را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه رانندگان بازداشتی شده اند که نشانه ای بارز از قدرت کارزار در حمایت از اعتراضات رانندگان کامیون و مبارزات کارگران در ایران است.

همچنین کنگره سراسری فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل آی تی اف (ITF) از خواستها و مبارزات رانندگان کامیونداران اعلام حمایت کرد و در این کنگره نماینده اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل سوئد طی سخنرانی ای از شرکت کنندگان در اجلاس خواست که از بیانیه اضطراری شماره ۲؛ فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل آی تی اف در محکوم کردن درخواست حکم اعدام برای کامیونداران اعتصابی از طرف رژیم اسلامی حمایت کنند. که این نیز خود اقدامی قابل توجه است. فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) قبلاً نیز در بیانیه جداگانه ای تمامی شاخه های خود در کشورهای مختلف را به حمایت از این اعتراضات فراخوانده و



خواستار مداخله سازمان جهانی کار شده بود.

یک نمونه اخیر و قابل توجه از حمایت های بین المللی نامه سرگشاده استفانی اسمیت دبیر کل کارگران دولتی و خدمات کانادا که ۷۷ هزار عضو را در بر میگیرد، در اعتراض به ادامه بازداشت رانندگان اعتصابی در ایران و خواست آزادی فوری آنان است. او در این نامه با اشاره به نقض آشکار حقوق کارگران در ایران خواستار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شده است. قبل از آن استفانی در نامه دیگری در اعتراض به سرکوبگری های حکومت اسلامی، اعتراض خود را به اعدام رامین حسین پناهی، لقمان و زانیار مرادی اعلام کرده و ضمن پشتیبانی از اعتراضات مردم کردستان و مردم ایران علیه اعدامها خواستار لغو مجازات اعدام شده بود. او همچنین در این نامه اعتراض خود را به حکم وحشیانه زندان و شلاق برای محمد حبیبی اعلام کرده و با خواست آزادی وی و همه معلمان زندانی، بر لغو مجازات شنیع شلاق و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات تاکید کرده بود.

نمونه دیگر از این دست حمایت های جهانی، نامه سرگشاه "استفان فون سیچووسکی" دبیر کل شورای اتحادیه های کارگری ونکور و حومه در کانادا، در برگیرنده ۶۰ هزار کارگر به روحانی است. او در این نامه همبستگی خود را با کمپین مشترک اعلام شده از سوی فدراسیون های بین المللی کارگری مشتمل بر ۵ فدراسیون بزرگ جهانی (در بر گیرنده ۱۲ میلیون کارگر در سطح جهان)، اعلام کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان شده است. او در این نامه به دستگیریهای اخیر معلمان نیز اعتراض کرده و خواستار آزادی همه

سیر تحولات جنبش زنان و انقلاب زنانه در ایران در چهار دهه گذشته

بخش اول متن پیاده شده برنامه خیابان، میزگرد با شهلا دانشفر، مینا احدی، مصطفی صابر و شیرین شمس

تهیه و تنظیم: کیان آذر، شیرین شمس

سوال اول: جنبش زنان در چهار دهه گذشته از نظر عملکرد و فعالیتی چه روندی را پشت سر گذاشته و اشکال فعالیتی و تشکل یابی آن به چه صورت بوده؟

شهلا دانشفر: جنبش رهایی زن در ایران بطور واقعی روند بالنده ای را در چهار دهه حاکم رژیم اسلامی طی کرده است. این روند، روند به چالش کشیدن هر روزه حکومت آپارتاید جنسی و قوانین ارتجاعی اش در کوچه و خیابان و در خانواده و در همه جا بوده است. این روند، روند سر بلند کردن جنبش نوین رهایی زن و عبور از جریان راست و عقب زدن آنها از سر راه این جنبش بوده است. این روند، روند جلو آمدن گفتمان های رادیکال و چپ در راس جنبش رهایی زن و جلو آمدن چهره های آن و سازمانیابی این جنبش بوده است. این روند، روند قد علم کردن زنان معترض با اسم و رسم خود و قرار گرفتن آنها در مقابل دوربین ها و پخش کلیپ های اعتراضی بی حجابشان علیه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی بوده است. اینها همه مولفه هایی است که تصویری از روند پیشرونده جنبش رهایی زن طی چهل سال اخیر را نشان میدهد. به عبارت روشنتر جنبش رهایی زن، جنبشی است که قهرمانه در کوچه و خیابان علیه جمهوری اسلامی و پرچم آن حجاب جنگیده و در واقع نفی عملی حجاب کرده است. این جنبش امروز به یک وزنه مهم در اوضاع سیاسی ایران تبدیل شده است. نمود آنرا در به میدان آمدن دختران انقلاب در خیزش دیماه مردم می بینیم. دختران انقلاب و بر سر چوب گرفتن حجاب توسط ویفا موحد و تبدیل آن به حرکتی سراسری و جنبشی که نه تنها حجاب بلکه کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی را به چالش کشید، نشان شوارنگیزی از این پیشروی هاست که بیش از پیش خصلت زنانه بودن انقلاب ایران

این جنبش توانسته است که بسیاری از نرم های جامعه را چه در روابط خانوادگی، چه در روابط اجتماعی و چه در سطح فرهنگی بشکند و به جلو برود. زیر فشار این جنبش دیدیم که به قولی کمپین یک میلیون امضاء به راه افتاد و تحت عنوان "تغییر قوانین" و با گفتمان هایی چون اسلام با حقوق زن مغایرتی ندارد، یک روسری ما را نکشسته است، سعی کرد جنبش رادیکال و



شهلا دانشفر

چپ رهایی زن را خلع سلاح کند و در چهارچوبه های سیستم موجود خفه کند. اما نتوانست. از جمله یکی از سازماندهندگان این کمپین در گفتگویی در همین روزهای اخیر از این می گفت که کلا کمپین یک میلیون امضاء از حجاب عبور کرد. و ما هم دیدیم که جنبش رهایی زن و جامعه از همه اینها عبور کرد و آنها را عقب زد. نتیجه اینکه امروز چهره های جنبش رهای زن، چهره های رادیکال و معترضی هستند که کل این سیستم و این بربریت را به چالش میکشند.

اما در رابطه با قسمت دیگر سؤالتان و روند تشکلیابی جنبش رهای زن، لازم است به دو وجه مساله اشاره کنم. یکی کارزارهای مبارزاتی در این عرصه که توضیح دادم. در دل این کارزارها نیروی اجتماعی وسیعی علیه تبعیض علیه زن به میدان آمده و شکل گرفته است. در بستر آن حرکت های اعتراضی میدانی سازمان پیدا کرده و جنبش رهایی زن توانسته است اعتراضات قدرتمندی را شکل دهد و چهره های رادیکال این جنبش از

جمله چهره هایی چون آتنا دائمی، گلرخ ایرانی، ویفا موحد به جلو آمده اند. اما وجه دیگر مساله جنبه سازمانی این جنبش است. از جمله شاهد سازمانیابی جنبش رهایی زن در گروه های تلگرامی و نهادهایی مثل ندای زنان هستیم. به عبارت روشنتر جنبش رهایی زن امروز در موقعیتی قرار گرفته که با کمک ابزارهای تشکلیابی میدیای اجتماعی صف خود را سازمان داده و دارد متشکل میشود. این روندی است که خصوصا در چند ساله اخیر شتاب پیدا کرده است و در نتیجه آن جنبش رهایی زن با قدرت بیشتری به جلو آمده است. بطور مثال در اعتراضات گسترده معلمان، بازتشیستگان و بخش های دیگر جامعه حضور چشمگیر زنان را شاهدیم. و یا شاهد این هستیم که زنان در گروه های سازمانده این اعتراضات نقش مهمی بازی میکنند. در جنبش کارگری نیز نمونه هفت تپه را داریم که یکی از زنان کارگر بر روی چهارپایه میرو و با گفتن اینکه اعتراض را از کارخانه به فرمانداری خواهند برد، در نقش رهبری ظاهر میشود. با این قدرت است که صدای اعتراض جنبش نوین آزادی زن در سطح بین المللی بازتاب وسیعی پیدا کرده است.

این اتفاقات در عین حال باعث شده است که گفتمان های برابری طلبانه و اعتراض علیه تبعیض علیه زن در سطح جامعه جلوتر بیاید. از جمله یکی از دستاوردهای این جنبش تثبیت هشت مارس این روز آزادیخواهی و برابری طلبی به عنوان روز جهانی زن و کنار زدن گرایشات دیگری است که میخواستند در برابر آن روزهای دیگری تحت عناوین مذهبی یا ملی را قرار دهند و هشت مارس را از محتوی خارج کنند و نتوانستند. اینها همه چه به لحاظ مطالباتی، چه به لحاظ عرصه هایی که جنبش رهایی زن در مبارزاتش فتح کرده است و چه به لحاظ سازمانیابی و یا چهره های رادیکالی که از درون این جنبش جلو آمده اند، پیشروی های

جنبش رهایی زن هستند.

سوال دوم: جنبش زنان در چهار دهه گذشته از نظر مطالبات و مواضع سیاسی نظری چه روندی را پشت سر گذاشته و عرصه های رودرویی و مبارزاتی آن به چه صورت بوده؟

مینا احدی: شاید بهتر است از اینجا شروع کنم که نسل من در یک انقلاب در ایران بر علیه حکومت پهلوی شرکت کرد و زنان در آن انقلاب هم نقش مهمی داشتند، در آن تلاطم بزرگ به دلایل مختلفی که در اینجا مورد بحث من نیست، حکومتی بر سر کار آمد به اسم حکومت اسلامی ایران! حکومتی که از روز اول ضدیت با زنان را بر پرچم خود نوشته بود. شما بعنوان یک انسان و بعنوان یک زن با یک پدیده مواجه شدید و ما مواجه شدیم در آن دوران با این پدیده که زنان را شهروندان برابر با بقیه بحساب نمی آوردند، و من نوعی بعنوان یک زن و یا همه زنان در ایران یکباره دیدند که اگر به خیابان رفته و مبارزه کردند اگر در مواردی حتی سخنگوی اعتراضات بودند، یکباره حکومتی آمد و گفت قوانین اسلامی است و شریعه را قانون آن جامعه اعلام کرد، برای همه ما سؤالات متعددی مطرح شد این چه حکومتی است جایگاه این حکومت و تحلیل تطویر این وقایع و دادن پاسخ به این سؤالات محوری بسیار مهم شد و مهم هم بود.

حکومت اسلامی ادعا میکرد که مستقل است و با شعار مرگ بر آمریکا بر طبل ضد امپریالیستی گری میکوبید و بسیاری در آن زمان میگفتند حجاب را به مستقل بودن حکومت باید بخشید و یا حجاب مسئله مهمی نیست.

اما برای ما زنان مستقل از هر تحلیل و تئوری ای حکومتی آمده بود که حرمت ما را در خیابانها زیر پا له میکرد، اینها با جاقو و قمه به ما حمله میکردند و یکباره خیابانها

سیر تحولات جنبش زنان و انقلاب زنانه

از صفحه ۶

رنگی کاملاً مردانه و اسلامی خشونت طلبانه بخود گرفت. اما حجاب بسیار مهم بود، تحلیل اینها این بود که به بخش ضعیف جامعه حمله میکنیم و با تحمیل حجاب آنها را به بند میکشیم و بقیه جامعه را نیز بعداً

رسانه های موجود و رسمی اینگونور میشود، این جنبش رادیکال و مدرن و آزادیخواه با چالشهای فراوان و از جمله سانسور خبری مواجه بوده و هست. در حالیکه از همان اول تظاهراتهای هشت مارس علیه حجاب، زنانی که رفتند به خیابان از همان موقع جواب تشویک را داده



میلنا اهدی

زیر سلطه خود میگیریم.

حجاب از نظر من یک قبر متحرک بود که اسلام سیاسی میخواست بر نیمه جامعه تحمیل کند. بدنبال حجاب از نظر من سنگسار بسیار تیبیک و مهم بود. به زنی که حجاب را نمی پذیرفت و از انسانیت خود دفاع میکرد به زنانی که حجاب را پس میزدند و در این میان حکومت اسلامی را نمی پذیرفتند گفتند اگر عصیان کنید زنده زنده شما را در وسط شهرها تکه پاره میکنیم. گفتند و این کار را کردند. از رسانه ها اعلام کردند و زنان را آوردند و در مقابل چشم جامعه، زجرکش کردند.

پس از آن ما قوانین اسلامی و موقعیت زنان در این قوانین را دیدیم. بنا بر این بحث ازدواج کودکان، حق طلاق، حق حضانت، جدا سازی جنسیتی، و اینکه زنان حق سفر ندارند و غیره مطرح میشود. با آمدن جمهوری اسلامی زن انسانیت اش، موجودیت اش، روابط جنسی زنان و کار بیرون از خانه، حق حضانت و حق طلاق و همه حقوق انسانی زنان زیر سوال رفت.

کدام چالش ها را جواب دادیم، بنظر من به همه این چالش ها و سوالات ما پاسخ دادیم. من معتقدم وقتی بررسی کنیم یک جنبش، یک جریان، یک مبارزه همواره از سوی

جهانبینی و رویکرد فکری بر جنبش زنان در چهار دهه گذشته بیشترین تاثیر را داشته؟ علت این نقش آفرینی را چه میدانید؟

مصطفی صابر: بنظر چهارچوبه ای که مینا احدی مطرح کرد تا حدی موضوع رو روشن میکند. مساله این است در اواخر قرن بیست میلادی در جامعه ای که سرمایه داری کاملاً حاکم شده بود، در کشوری که میگفتند "ژاپن خاورمیانه" است، مردم انقلاب کردند تا یک حکومت استبدادی را سرنگون کنند و آزادی و برابری بدست بیاورند؛ و در مقابل این انقلاب کل بورژوازی، از آمریکا و اروپای غربی گرفته تا سرمایه داری دولتی شوروی و چین، همگی به یک باره رفتند پشت سر یک جنبش و حکومتی که پرچم اش سرکوب زنان و حجاب بود. همانطور که صلیب شکسته آیکون نازیسم و هیتلر بود، اینها حجاب و سرکوب زنان را تبدیل کردند به سمبل هویت و اقتدار خود. در برابر این وضعیت طبعاً دو جبهه در تقابل باهم شکل گرفت. اول آنها

نبود. این بورژوازی اواخر قرن بیستم میلادی بود. بعداً هم دیدیم که در سطح جهانی نظریه هایی درآمد که این وضعیت، یعنی سرکوب زنان در کشوری مثل ایران، را توجیه بکنند. منظوم نظریه های پست مدرنیستی و نسبیت فرهنگی است، با توجیحاتی نظیر اینکه "این حجاب و سنگسار فرهنگ خودشان است!" یکسری به اصطلاح چپ ها در سطح جهانی هم رفتند پشت سر همین بحث ها.

اما اینها یکطرف این تقابل بودند. طرف دیگر تقابل تا آنجا که به اوضاع ایران مربوط است، در حله اول جنبش زنان بود که قبل از همه جنبش های اجتماعی در مقابل جمهوری اسلامی قد علم کرد. در تظاهرات علیه حجاب بر علیه کلیت جمهوری اسلامی به میدان آمد با شعارهایی نظیر: "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم"، "حقوق زن نه شرقی نه غربی، جهانی است"، "آزادی باید نباید ندارد" و غیره. شعارهایی بسیار عالی، رویه جلو، که همین امروز هم میتوان مطرح کرد. البته بعداً جنبش های دیگری نظیر جنبش بیکاران، کردستان و



که میگفتند این حجاب مساله مهمی نیست، سرکوب زنان مساله فرعی است. در این جبهه از امثال طالقانی، از بنیانگذاران جمهوری اسلامی بود تا حتی یک سری به اصطلاح چپ هایی که برای مثال زنان تظاهرات کننده علیه حجاب در اسفند پنجاه و هفت را با انگ "بالا شهری" محکوم میکردند. این چپ های سنتی و عقب مانده در واقع دنباله چپ جنبش ملی اسلامی بورژوازی ایران بودند که حالا با جمهوری اسلامی به قدرت رسیده بود. بخش های دیگر بورژوازی هم در مقابل این سرکوب و وحشیانه زنان چیزی نگفتند و آنرا پذیرفتند. این اسلام هزار و چهارصد سال پیش

دانشگاه و جنبش شورایی کارگران و غیره جلوی جمهوری اسلامی ایستادند.

بنظر من در چهل سال گذشته تقابل بین دو خط فکری بوده است: یکی خط انواع و اقسام بورژواها، از این گرفته که مساله زنان آنقدر هم مساله اصلی و مهمی نیست تا جریاناتی نظیر اسلام سیاسی که اساس هویت و حکومت خود را سرکوب زنان قرار داده است. دوم خط زنان، کارگران، معلمان، مردم آزادیخواه، کمونیستهایی مثل منصور حکمت و نیروهایی مثل حزب کمونیست کارگری که محکم ایستاده اند و گفتند نه فقط مساله

زنان از مسائل اساسی جامعه است، بلکه حتی مهمتر از همیشه است و ما در ایران با یک "انقلاب زنانه" روبرو هستیم. کسانی که از روز اول با قاطعیت و بدون هیچ تخفیفی علیه حجاب، علیه سنگسار و علیه بی حقوقی زنان ایستادند و محکم و استوار برای برابری جنگیدند. اکنون ما میتوانیم ببینیم که این جدال و تقابل بین این دو خط فکری به کجا انجامیده و کدام طرف پیروز میدان است. برای مثال آنهایی که وقت

خودش میگفتند حجاب مساله زنان نیست، مثل کمپین یک میلیون امضاء، حالا مجبور شده اند که بیابند بگویند حجاب مساله مهمی است. چرا؟ چون دختران خیابان انقلاب آمده اند به میدان و این را به همه نشان داده اند. یا مثال دیگر، کسانی که تا چند سال پیش خودشان حجاب سرشان بود و دنبال خاتمی و اصلاح طلب بودند حالا خودشان حجاب برداشته اند و حتی برای حجاب برداشتن کمپین راه می اندازند. حالا خود واقعیت، یعنی نه فقط تشویق که پراتیک عظیم اجتماعی دارد نشان میدهد که خط فکری دوم به جلو آمده و آینده متعلق به کسانی است که گفتند و میگویند ما در ایران با یک انقلاب زنانه با یک جنبش پرشور و بسیار رادیکال برای رهایی زن روبرو هستیم.

سوال چهارم: آیا میتوان چهار دهه گذشته را از نظر نظری و پراتیک در جنبش زنان از پیروزی انقلاب تا به حال تقسیم بندی کرد؟ اگر بله آنرا چطور مینمایند و چطور تقسیم بندی میکنید؟

شیرین شمس: به نظر من سیر تحولاتی که رخ داده را میشود تقسیم بندی کرد. جنبشی که ما از آن تحت عنوان جنبش نوین رهایی زن صحبت میکنیم و نماد آشکارش را در دختران خیابان انقلاب می بینیم، نطفه هایش در همان سال ۵۷ بسته شد. جنبش زنان در سال ۵۷ به عنوان یکی از قویترین جنبش های مبارزاتی، اولین جنبشی بود که مقابل قوانین اسلامی و حکومت اسلامی ایستاد. این جنبش بعد از

صفحه ۶

سوال سوم: از نظر هژمونی تئوریک و دیدگاهی چه

انقلاب اکتبر و انقلاب آتی در ایران

از صفحه ۷

باعث شده است که مبارزات عمق بیشتری پیدا کند و شعارها و خواستها طبقاتی تر و چپ تر باشد. شما يك اعتراض توده ای را پیدا نمیکنید که در آن بر علیه مفتخوری سرمایه داران و بالایی ها شعار داده نشود. در روسیه شعارها بیشتر علیه جنگ و علیه فقر بود. اینجا علیه فقر، علیه حجاب اجباری، علیه جداسازی جنسیتی و علیه آخوند های میلیاردر و استفاده از مذهب برای مفتخوری و علیه حقوقهای نجومی و دزدیها مدام اعتراض وجود دارد. و این کلا فضای چپسی را به مضمون اعتراضات داده است. از این نظر هم من فکر میکنم ایران آستان تحولات عمیق تر و همه جانبه تری به نفع طبقه کارگر و کمونیسم است.

انترناسیونال: خواست اصلی که بلشویک ها در انقلاب اکتبر مطرح کردند، پایان یافتن جنگ بود، در ایران چه خواست یا خواست هایی میتواند بیشترین نیرو را بدنبال خود بسیج کند؟

کاظم نیکخواه: نان و صلح شعار فوری انقلاب بلشویکی در روسیه بود. یعنی معیشت و پایان جنگ. بنظرم در ایران هم مساله نان یا معیشت بسیار مبرم و مهم است. اکثر مردم زیر خط فقر مطلق زندگی میکنند. بسیاری از مردم امکان تهیه ساده ترین غذا را ندارند. کارتون خوبی، کار کودکان، بیکاری، حقوقهای زیر خط فقر و امثال اینها زندگی مردم را دارد مچاله میکند. به همین دلیل يك شعار مهم مردم معیشت است. اما يك سری خواستها در ایران به موازات هم دارد پیش میروند که همه آنها مهم و حیاتی هستند و نیروی زیادی را حول خود جمع کرده است. جمهوری اسلامی يك حکومت مذهبی و اسلامی است و جنبش سکولار و خواست جدایی دین از دولت و از آموزش و پرورش بسیار مهم است. یعنی مردم خواهان این هستند که مذهب در زندگی شان دخالتی نداشته باشد و این يك خواست توده گیر است.

خواست آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام و لغو حجاب اجباری نیز بسیار مهم و توده گیر است. با توجه به اینها بنظرم شعارهایی مثل جدایی دین از دولت و از آموزش و پرورش، و منزلت معیشت حق مسلم ماست، زندانی سیاسی آزاد باید گردد و لغو اعدام و لغو حجاب اجباری بسیار کلیدی است. در همه این زمینه ها جنبشهای اجتماعی بسیار گسترده و قدرتمندی در ایران وجود دارند و به همین دلیل میتوان بسیار امیدوار بود که با سرنگونی جمهوری اسلامی نه فقط همه زندانیان سیاسی آزاد شوند، بلکه فوراً مجازات اعدام برای همیشه لغو شود، جدایی مذهب از دولت اعلام شود و رفاه و مسکن حق همه افراد اعلام شود. درمان رایگان، آموزش رایگان هم در راستای همین خواستها که اشاره کردم قرار دارند و فکر میکنم فوراً با سرنگونی جمهوری اسلامی باید به قانون جامعه تبدیل شود.

انترناسیونال: يك شعار کمونیست ها در انقلاب اکتبر "همه قدرت به دست شوراها" بود. شوراها چه نقش و موقعیتی در روسیه داشتند. آیا در انقلاب آتی ایران هم شوراها می توانند چنین نقشی داشته باشند؟

کاظم نیکخواه: تجربه انقلاب اکتبر در همه جوامع و انقلابات بعدی در جهان تاثیرات مهمی گذاشت و قطعا در انقلاب آتی ایران هم درسهای انقلاب اکتبر بسیار آموزنده و مهم است. یکی از این درسهای تاریخی انقلاب اکتبر تجربه شوراهاست که اول بار در انقلاب اکتبر مطرح شدند. قطعا در ایران هم شوراها نقش کلیدی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی خواهند داشت. همین الان شعار "شوراهاى مستقل کارگری" و "شوراهاى مستقل مردمی" از درون اعتراضات کارگری و توسط رهبران کارگری مطرح شده است. در انقلاب ۵۷ هم ما شاهد سر بلند کردن شوراها بودیم. اما امروز بسیار جامعه ایران از سال ۵۷ و آن انقلاب جلوتر است. اگر قرار باشد مردم در اداره امور جامعه نقش و دخالت و اختیار داشته باشند از طریق

دیگری جز سیستم شورایی ممکن نیست. ما این را باید بسیار بیشتر از قبل مورد تاکید قرار دهیم. بنظرم تبلیغات ما و توضیح جایگاه و اهمیت شوراها از جانب ما هنوز بهیچ وجه کافی نیست و باید این کمبود را هرچه سریعتر جبران کنیم. باید تجربه اکتبر را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهیم. باید نحوه شکل گیری و کارکرد و دخالتگری شوراها در سطوح مختلف را به مردم توضیح دهیم. این مهم است که رهبران کارگران و معلمان و بخشهای دیگر مردم با جنبش شورایی بیشتر آشنا شوند و از آن دفاع کنند و آنرا به میان توده های کارگر و مردم ببرند.

من مطمئنم که با نزدیک تر شدن به انقلاب و بویژه بلافاصله بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی شوراها از همه جا سر بلند خواهند کرد و منتظر تبلیغات ما نخواهند ماند. اما تبلیغات و توضیحات امروز ما میتواند زمینه را بیشتر آماده کند و شوراها را مجهز تر و کارآتر کند و روند بعدی قدرت گیری مردم را تسهیل نماید.

انترناسیونال: انقلاب اکتبر رهبران و چهره های برجسته ای داشت که پیروزی این انقلاب را رهبری کردند. آیا در ایران چنین رهبرانی وجود دارند؟

کاظم نیکخواه: نپیدانم از این نظر چقدر میشود اوضاع امروز ایران را با آن دوره مقایسه کرد. اما نباید فکر کنیم که بفرض لنین بعد از انقلاب اکتبر با لنین قبل از انقلاب از نفوذ و شهرت برابری برخوردار بود. در ایران ما به یمن داشتن يك کانال تلویزیونی ۲۴ ساعته که سالهاست دارد برنامه پخش میکند از مزیت بالایی نسبت به آن دوره بلشویکها برخورداریم که باعث میشود چهره های حزب کمونیست کارگری بسیار شناخته شده باشند و این بسیار مهم است. بلشویکها نه تلویزیون داشتند و نه مدیای اجتماعی نظیر این دوره را در دسترس داشتند. به همین دلیل تا قبل از انقلاب شخصیتهای حزب بلشویک برای اکثر مردم ناشناخته بودند. اما این وضعیت در ایران امروز وجود ندارد. باید دید چقدر میتوانیم این شناخته بودن را به

اتوریت و رهبری سیاسی فعال تبدیل کنیم که از این نظر هم من بسیار امیدوارم.

انترناسیونال: يك مساله مهم در انقلاب اکتبر نقش حزب بلشویک بود. شاید بشود گفت برای اول بار مساله جایگاه حزب در رهبری انقلاب در اکتبر مطرح و شناخته شد. در این رابطه در ایران اوضاع چگونه است؟ آیا حزب کمونیست کارگری به حزب رهبر انقلاب تبدیل شده است؟

کاظم نیکخواه: ببینید قبل از اینکه انقلاب عملاً به جریان بیفتد و پیشرویهایی معینی داشته باشد نمیشود قضاوت کرد که رهبرش کیست و کدام حزب است. حزب کمونیست کارگری از يك نظر با تجزیه و تحلیل تجربه انقلاب اکتبر و نقش حزب در این انقلاب و چگونگی رهبری لنین ایجاد شده است و از این نظر ما بخشهای مفصلی داشته ایم. اینکه چقدر توانسته ایم کاری بکنیم که عملاً در انقلاب ایران این حزب رهبر انقلاب باشد این را باید دید. اما اگر کسی به اوضاع سیاسی در ایران نگاه کند و اعتراضات موجود بخشهای مختلف طبقه کارگر و مردم محروم را بررسی کند و به جنبش های اعتراضی در جامعه نگاه کند متوجه میشود که عملاً این حزب در همه این اعتراضات با برنامه و شعارها و سیاستهای حضور و نفوذ دارد. جنبش علیه اعدام و سنگسار، جنبش رهایی فرهنگی، جنبش دفاع از آزادی بی قید و شرط سیاسی عملاً و تاریخی با سیاستهای این حزب گره خورده است. جنبش شورایی و مجمع عمومی نیز همینطور است. مساله حق مسکن، درمان رایگان، آموزش رایگان و حق اعتصاب و آزادی بیان و اینها هم به همین شکل با این حزب تداعی میشود. دفاع همیشگی و منسجم این حزب از انقلاب در برابر تمام جریانهای اصلاح طلب قلابی و مرتجع و سنتی نیز باعث شده است که خود "انقلاب کارگری و مردمی" نیز بیش از هرجرمانی با حزب کمونیست کارگری تداعی شود.

بسیار جا دارد که اینجا یاد منصور حکمت را گرامی بدارم که

نقشی کلیدی و اساسی در فرموله کردن همه این جهت گیریها داشت و توانست کمونیسم مارکس را در تمایز با جریانهای چپ سنتی و بورژوایی و "ضد امپریالیستی" باز تعریف و احیا کند و درسهای انقلاب اکتبر را برای ما معنی کند و با توجه به تجربه مشخص جنبش طبقاتی در ایران به کمونیسم کارگری به صورت حزب کمونیست کارگری مادیت و عینیت بدهد. جای او واقعا بسیار خالی است.

همه اینها به این مفهوم است که این حزب دارد نقش خود را بدرستی و با جهت گیری درستی ایفا میکند. اما هنوز راه زیادی را باید پیمود و فضا را باید بسیار بیشتر تحت تاثیر قرار داد. نکته مهم اینست که بدانیم که اگر در ایران واقعا تحولی انسانی و امید بخش و سوسیالیستی بخواهد صورت گیرد نمیتواند با رهبری حزب کمونیست کارگری نباشد. هیچ تردیدی در این نباید داشت.

انترناسیونال: انقلاب اکتبر بدلالی شکست خورد. از این شکست چه درسهایی میتوان آموخت و چه کارهایی میتوان انجام داد؟

کاظم نیکخواه: این موضوع بحث مفصلی است که اینجا ناچارم خیلی خلاصه و دست و پا شکسته نظر را بگویم. ببینید تا پیش از انقلاب اکتبر و به قدرت رسیدن کارگران و بلشویکها هیچ انقلاب سوسیالیستی ای در جایی صورت نگرفته بود. تجربه کمون پاریس که چهل پنجاه سال قبلتر صورت گرفته بود را البته داشتیم که سه چهار ماه بیشتر طول نکشید و سرکوب شد و به خون کشیده شد. بلشویکها با تجزیه و تحلیل تجربه کمون توانستند کاری بکنند که بورژوازی نتواند با ارتش و محاصره آنها را به شکست بکشاند. اما تجربه پیاده کردن عملی سوسیالیسم بویژه از نظر اقتصادی را نداشتند. و به همین دلیل با آزمون و خطا در این رابطه چند اتفاق به زیان کمونیستها پیش رفت. یکی خود جنگ و محاصره نظامی بود که باعث شد که کارگران انقلابی فرصت و امکان پرداختن به اقتصاد

پیرامون اجرایی شدن دور دوم تحریمهای آمریکا از ۱۳ آبان



تحلیل فقرو گرانی و ... دست به اعتراض بر علیه حکومت زده اند. اعتراضات دیماه ۹۶ و مرداد ماه ۹۷ شاهد گسترش اعتراضات بر علیه این وضعیت بودیم که هنوز هم در گوشه و کنار ادامه دارد.

تا جمهوری اسلامی و سیاستهای تروریستی، تلاش های هسته ای، دخالت و جنگ افروزی در منطقه، سرکوب و کشتار در داخل و ... پابرجا بوده، تحریمهای آمریکا و کشورهای غربی برای "رام کردن" جمهوری اسلامی، به این امید که تغییری در حکومت به نفع گسترش رابطه با آمریکا و غرب ادامه خواهد داشت. عامل اصلی این تحریمها سیاستهای جمهوری اسلامی می باشد. این یک توهمی بیش نبوده و نیست. برای پایان دادن به این وضعیت باید دیگری برای رهایی از این وضعیت وجود ندارد. اول نوامبر ۲۰۱۸

آمریکا که ضربات مهلکی بر بخش صادرات نفت و دسترسی رژیم به سیستم های پرداخت ارزی مبادلات تجاری را هدف خود قرار داده است، در داخل حکومت جنگ و دعواهای باندهای حکومتی بالا گرفته است. فشارها به دولت روحانی از طرف جناح بیت رهبری بیشتر شده. در عین حال دولت روحانی هنوز امیدوار است که راه کار اتحادیه اروپا و این بار با همکاری روسیه و چین فرجی برای حکومت بوجود بیاورد. در تازه ترین موضعگیریهای دولت آمریکا وزارت خارجه این کشور اعلام کرده اند که هدفشان از این سیاستها "تغییر مواضع جمهوری اسلامی" می باشد و تاز زمانی که این تغییر اتفاق نیفتد تحریمها ادامه خواهند داشت.

اثرات تحریمها بر اقتصاد به گل نشسته حکومت ویران کننده تر هر قبل خواهد بود. در این میان جمهوری اسلامی هم تلاش خواهد کرد به بهانه تحریمها سیاست های ضد کارگری و ضد مردمی بیشتری را به اجرا گذاشته و در صدد تحمیل فشارهای بیشتر بر زندگی و معیشت مردم و خواهد آمد. مردم از مدتها پیش بر علیه سیاستهای ریاضت کشی و

اروپا در امور ایران يك بار دیگر تأکید کرد که "سازوکار ویژه" اتحادیه اروپا برای حفظ مبادلات مالی و تجاری با ایران در دست اجراست و این اتحادیه مصمم به حفظ توافق اتمی با ایران است. متقابلاً روزنامه فایننشال تایمز روز چهارشنبه این هفته با استناد به اظهارات دیپلماتهای اروپا گزارش داده بود که هیچیک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا مایل نیستند که میزبان دفتر این ساز و کار ویژه با ایران باشند. فشارهای دولت ترامپ و تهدید به تحریمهای ثانویه به نظر می رسد که اثر گذار بوده و اتحادیه اروپا علیرغم تأکید بر اجرایی کردن طرحش، هنوز موفق به اجرایی کردن آن نشده است. در همین هفته گذشته وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بار دیگر موضوع "سازوکار ویژه" اتحادیه اروپا را در دستور گذاشته و بحث کرده و عملاً موفق به اتخاذ تصمیمی که این دفتر کجا باید مستقر شود و چگونه باید کار بکند، نشدند. بنابراین این طرح هم سرنوشت نامعلومی دارد.

در این میان دولت روحانی و وزارت خارجه اش مدام از "عملی شدن تعهدات اتحادیه اروپا" سخن گفته و در داخل حکومت ادعا میکنند که طرح اتحادیه اروپا آماده اجرا شدن می باشد و با کمک اتحادیه اروپا، با اجرایی شدن تحریمهای ۴ نوامبر "اتفاقی" نخواهد افتاد. روحانی دوروز پیش يك بار دیگر تأکید کرد که اتفاق خاصی نخواهد افتاد. دو هفته پیش ظریف وزیر خارجه حکومت در پاسخ به فشار های جناح های حکومتی و بالا گرفتن اختلافات درونی حکومت، اعتراف کرد که هنوز طرح اتحادیه اروپا اجرایی نشده و بعضاً مشکلاتی وجود دارد و نیاز به زمان بیشتری دارد! اکنون با نزدیک شدن به تاریخ اجرای تحریمهای دور جدید

از صادرات نفت ایران به اروپا و خرید های متعارف ایران از کشورهای اروپایی است.

اعلام این سیاست از طرف اتحادیه اروپا واکنش تند آمریکایی و متحدانش را برانگیخت. ترامپ تهدید کرد برای مقابله با این سیاست اتحادیه اروپا ساکت ننشسته و طرح "تحریمهای ثانویه" را به اجرا خواهد گذاشت. متقابلاً جمهوری اسلامی و دولت روحانی در بوق و کرنا کردند که اتحادیه اروپا در کنار حفظ برجام، به روابط تجاری اش به ایران را ادامه خواهد داد.

طرح "تحریمهای ثانویه" دولت آمریکا هدفش نشانه گرفتن شرکتها و بانکهایی می باشد که در اتحادیه اروپا ثبت شده و فعالیت می کنند و نماینده و دفاتری در آمریکا دارند می باشد. بر اساس این طرح هر شرکتی که اقدامی و کمکی به طرح اتحادیه اروپا برای کمک به ایران برای دور زدن تحریمها را به اجرا بگذارد، متقابلاً با تحریمهای آمریکا مواجه خواهد شد. با اعلام این سیاست فشار آمریکا روی اتحادیه اروپا بیشتر شده و بسیاری از شرکت های اروپایی رسماً اعلام کرده اند که طرح اتحادیه اروپا را اجرایی نخواهند کرد.

در تحولی دیگر مبنی بر ایجاد "کانال مالی ارتباط مالی یا مبادلاتی با جمهوری اسلامی"، چند هفته پیش این اتحادیه تصمیم گرفت که دفتری را در یکی از کشورهای عضو این اتحادیه برپا بکند که بتواند ساز و کار حفظ روابط تجاری با ایران و دور زدن تحریمها را عملیاتی بکند. اعلام این امر و فشارهای آمریکا به این اتحادیه عملاً منجر به این شد که تا کنون هیچ کشور اروپایی برای این کار اعلام آمادگی نکرده است. بنابراین این طرح اتحادیه اروپا هم هنوز سرنوشت نامعلومی دارد.

روز سه شنبه این هفته دفتر اطلاع رسانی سیاستهای اتحادیه

دولت آمریکا از مدتها پیش و به دنبال خروج از برجام اعلام کرد که در صورتیکه جمهوری اسلامی به تعهداتش پیرامون شفافیت در پروژه هسته ای، کنار گذاشتن طرحهای موشکی و دخالت در امور منطقه و .. دست برندارد، در کنار تحریمهای تاکتونی، دور دوم تحریمهای آمریکا از ۱۳ آبان (۴ نوامبر) را اجرا خواهد کرد. این تحریمها شامل دو عرصه مهم صادرات نفت و گاز و قطع پیوند ایران با شریانهای مالی بین المللی می شوند.

وزارت خارجه آمریکا در توضیح چند و چون این تحریمها اعلام کرده: "در این مرحله از تحریمها تأکید بر کاهش درآمد و دریافت های ارزی ایران به خصوص از طریق کاهش فروش نفت خام و دستیابی دولت به عواید ارزی آن است. در همین حال دولت آمریکا هشدار داده است که شرکت هایی که به معامله با ایران ادامه دهند مشمول تحریمهای ثانویه خواهند شد".

مخالفان اعمال تحریمهای نفتی و گازی بویژه اتحادیه اروپا به بهانه نگه داشتن ایران در «برجام» توافق هسته ای»، از حدود چند ماه پیش وعده "کمک به دور زدن تحریمهای آمریکا به ایران" را داده و کمیسیون اروپا مامور بررسی و تهیه طرحی در این مورد کردند. اسم این طرح "سازوکار ویژه اتحادیه اروپا برای حفظ تبادلات مالی و تجاری با جمهوری اسلامی" می باشد.

اتحادیه اروپا در توضیح سیاست جدیدش برای کمک به جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریمهای آمریکا و توضیح روندی اجرایی این تصمیم گفته است: منظور از ایجاد این وسیله یا کانال جدید "حفاظت از آزادی فعالان اقتصادی این کشورها جهت دنبال کردن مبادلات مشروع با ایران" عنوان شده است که در صدر آن دریافت پول حاصل

KANAL DJADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

لویی جرگه به سبک احزاب حاکم بر اقلیم کردستان عراق در حاشیه گماردن رئیس پارلمان

احزاب ناسیونالیست کرد در

کردستان عراق با چنین رویکردی ناگهان يك شبه خواب نما نشدند که چنین طرح عقب مانده ای را بعنوان راهکار اداره امور پارلمان دم دست بگذارند.

پایان دوران جنگ سرد و عروج "نظم نوین جهانی" ابتدا این عقب گرد را با حمله به عراق و با بهره گیری از احزاب ناسیونالیست کرد بعنوان نیروهای پیاده نظام و بالاخره تبدیل ساختار حاکمیت در عراق متشکل از مذاهب (شیعه، سنی، آسوری، کلدانی، مسیحی) و قبایل، عشایر کرد و عرب و غیره، چنین افق گنبدیده ای را عرضه کرد.

علل و ریشه رواج این عقب گرد را باید در بحران بن بست و بی افقی نظم گنبدیده جهان سرمایه داری جستجو کرد که بازتاب آن را در تمامی لایه های حکومت در عراق و اقلیم کردستان میتوان مشاهده کرد.

لویی جرگه باندها و جریانات اسلامی در افغانستان، مجلس خبرگان و دیگر نهادهای حکومت اسلامی در ایران و دیگر دستجات اسلامی در حکومت با اتکا به قوانین

پوسیده و سنتهای اسلامی شان از میان مرتجعین این دسته جات مرتجعترین را بر صندلی صدارت قرار میدهند. قرار گرفتن يك فرد با معیار "مسئولترین" شخص در پارلمان فرمال اقلیم کردستان عراق حتی با معیارهای صد سال قبل ناسیونالیسم که برای کوتاه کردن دست استعمار و برای کسب استقلال می جنگید

سرسوزنی خوانایی ندارد. ناسیونالیسم اوایل قرن بیست در تلاش برای آوردن مدنیت در جامعه، فنودالیسم را کنار زد اما بعد از گذشت يك قرن از آن تاریخ، ناسیونالیسم و حتی دول بحران زده و بن بست رسیده سرمایه داری برای بقای نظم موجود ناچار شده اند به تاریخ ماقبل خود آویزان شوند که سوخت و ساز امور حکومتی در عراق و در کردستان عراق نمونه روشن و بارز آن است.

عبدل گلپریان

بندبال انتخابات نمایندگان پارلمان در کردستان عراق و سپس طبق رسوم تا کنونی تقسیم پستهای حکومتی در ریاست جمهوری عراق به اتحادیه میهنی و نخست وزیر به شیعه و ابقای نخست وزیر اقلیم مادام العمر در کردستان، قرار است در روزهای آینده پارلمان کردستان عراق تشکیل جلسه دهد و در گام نخست رئیس پارلمان را به این پست بگمارد.

در این اولین جلسه برای گماردن رئیس پارلمان هیچگونه رقابتی بین کاندیداتورهایی وابسته به احزاب مختلف پارلمانی در کار نیست و هیچ پلائفرم و برنامه ای مبنی بر عملکرد و سیاست ناظر بر کار رئیس مورد نظر بر اساس ابتدایی ترین استانداردهای معمول هم وجود خارجی ندارد. چرا که احزاب ناسیونالیست کرد برای گماردن فردی به ریاست پارلمان اقلیم با پیروی از طرح لویی جرگه طالبان و باندهای اسلامی در افغانستان قرار است به تاریخ ماقبل دوره های خود رجعت کنند.

قضیه از این قرار است که احزاب شریک در قدرت حاکمه کردستان عراق توافق کرده اند که "مسئولترین" فرد در پارلمان را بطور اتوماتیک در مقام رئیس پارلمان قرار دهند. این مسن ترین فرد وابسته به حزب دمکرات کردستان عراق یعنی حزب بارزانی است که بخودی خود امتیازی برای این حزب نیز محسوب میشود.

اکنون دیگر اطلاق واژه پس رفت و ارتجاعی نامیدن تنها ویژه جریانات اسلامی نیست بلکه احزاب ناسیونالیست کرد حاکم بر اقلیم کردستان عراق نیز متاثر از عقب گرد دولتها در همه جای دنیا، در سیاست، در اقتصاد و در اداره امور جامعه، بیش تر از هر دوره ای شایسته و سزاوار مرتجع نامیدن و برمال شدن ماهیت پست رفتشان هستند. چنین سبک، سنت و روشی را در دوران ماقبل سرمایه داری و در عصر فنودالی شاهد بوده ایم.

فرهنگیان و به حقوقهای نجومی و عدم برخورداری از يك بیمه کارآمد و درمان رایگان و محرومیت فرزندانشان از حق تحصیل رایگان است. در همین راستا افزایش سطح حقوق ها به بالای خط فقر ۶ میلیونی، درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه کودکان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی فوری معلمان زندانی و بازگردنده پولهای به سرقت رفته از صندوق ذخیره فرهنگیان به این صندوق و پاسخگویی به نیازهای فوری آنها، خواستهای فوری معلمان بازنشسته است. این ها همه موضوعات شعارها، بیانیه ها و قطعنامه های آنها در تجمعات اعتراضی چندین ساله شان بوده است. معلمان بازنشسته با شعارهایی چون "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، يك اختلاس کم بده، مشکل ما حل میشه، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، کل بساط سرمایه داری دزدسالار حاکم را به چالش کشیده و خواستشان داشتن يك زندگی انسانی است.

برای تک تک مردم هست و هم سرمایه داری مانع اصلی بر سر تامین معیشت مردم است. این دو قطبی ای که امروز آشکارتر از هر زمان جلوی چشم همه مردم است به ما امکان بیشتری میدهد که بتوانیم يك سیستم عادلانه و سوسیالیستی را در جامعه پیاده کنیم.

کلا انقلاب اکتبر درسهای زیادی برای آموختن دارد. هر جا و هر وقت که طبقه کارگر و مردم بخواهند انقلاب کنند و بطور واقعی سرنوشت خود را خود بدست گیرند قطعاً تجربه اکتبر مورد نیاز آنها خواهد بود و باید به آن رجوع کنند. از این نظر هم ما به کار و تلاش و بررسی های بسیار بیشتری نیاز داریم که امیدوارم بتوانیم با رجوع به منابع زیادی که الان به یمن تکنولوژی اینترنتی در دسترس است درسهای مهم انقلاب اکتبر را بیرون بکشیم و برای خلاص شدن از شر سرمایه داری و سود و حاکمیت مفتخوران بر جامعه از آن ها استفاده کنیم.

جلب وسیع همبستگی وسیع جهانی کارگری و افکار مردم آزادیخواه بطور واقعی اعتراضات کارگران و کل جامعه را در موقعیت بسیار قویتری قرار میدهد. با تمام قوا باید به این کارزارها پیوست. جمهوری اسلامی باید از تمامی مراجع بین المللی از جمله سازمان جهانی کار اخراج و در سطح جهانی به انزوای سیاسی کامل کشیده شود. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود.

فراخوان معلمان بازنشسته به تجمع اعتراضی

معلمان بازنشسته برای روز بیستم آبان به تجمع سراسری در مقابل صندوق ذخیره فرهنگیان فراخوان داده اند. معلمان بازنشسته يك بخش معترض جامعه هستند که همواره نقش مهمی در جلو آوردن خواستهای رادیکال و انسانی در سطح جامعه داشته اند. اعتراض آنها به تبعیض ها، به حقوقهای چند بار زیر خط فقر و کاهش هر روز بیشتر قدرت خرید آنان، به امنیتی کردن مبارزات و دستگیری ها، به اختلاس ها و يك نمونه بارز آن اختلاس ۸ میلیاردی در صندوق ذخیره

کارگران در هفته ای ...

از صفحه ۵

معلمان زندانی و زندانیان سیاسی شده است.

همچنین در هفته های قبل اتحادیه های کارگران حمل و نقل در کشورهای دیگر چون دانمارک، کانادا، آمریکا، هلند و "پلائفرم سنديکاهای کارگری سوئ" در بیانیه هایی دستگیری رانندگان و کامیون داران اعتصابی را محکوم کرده بودند... این همبستگی ها ادامه دارد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی کمپینی جهانی در حمایت از مبارزات رانندگان کامیون و علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و مردم معترض را در دستور دارد و به پیش میبرد. حزب کمونیست کارگری نیز کارزاری جهانی در حمایت از اعتراضات رانندگان کامیون و برای آزادی تمامی بازداشت شدگان اعتراضات اخیر اعلام کرده است.

کارزار بین المللی علیه سرکوبگری های حکومت اسلامی و

انقلاب اکتبر و انقلاب آتی در ایران

از صفحه ۸

سوسیالیستی بنظر ما مهمترین نقطه ضعف بلشویکها بود که نهایتاً باعث شد که ناسیونالیسم صنعتی روسی بتواند تحت نام کمونیسم بر حزب بلشویک حاکم شود و سرمایه داری دولتی را بنام سوسیالیسم معرفی کند و نهایتاً همانطور که میدانیم با بحران و بن بست مواجه شد و شکست خورد.

ما این مشکل و این ضعف را بارها و بارها مورد بحث قرار داده ایم. از نظر تاریخی رشد تکنولوژی تولیدی که امکان تامین نیازهای مردم را بسیار آسان تر و عملی تر کرده و همچنین رشد سرمایه داری انحصاری که تمام ثروتها را در دست يك اقلیت بسیار کوچک متمرکز نموده است و اکثریت مردم را در فقر و بی تامينی نگاه داشته، و خود بن بست و بحران جدی سرمایه داری، اینها فاکتورهای جدیدی است که به نسبت دوره ای که انقلاب اکتبر صورت گرفت به نفع ما عمل میکند. یعنی هم عملاً همه می بینند که امکان تامین رفاه

را پیدا نکنند و قحطی بر جامعه حاکم شد و ناچار شدند به شیوه های "اقتصاد جنگی" و سیاستهای اضطرابی با مساله رو در رو شوند و این عملاً مانع پیاده کردن تحولات اقتصادی اساسی و سوسیالیستی شد. يك اتفاق بسیار ناگوار و فاجعه آمیز مهمتر مرگ زودرس لنین بود. لنین در سال ۱۹۲۴ در سن ۵۴ سالگی دچار سکنه شد و بعد از چند ماه که بستری و دور از دخالت در سیاست بود درگذشت. مرگ لنین يك ضربه بزرگ به طبقه کارگر روسیه بود و خلأی را ایجاد کرد که خیلی زود توسط ناسیونالیسم روسی پر شد.

همانطور که بلشویکها با استفاده از تجربه کمون توانستند بر سر قدرت بمانند و محاصره نظامی روسیه توسط ارتشهای جهانی را به شکست بکشانند ما هم تلاش کرده ایم که نقطه ضعفهای بلشویکها را بشناسیم و پاسخ روشنی به آن داشته باشیم. ضعف برنامه اقتصادی

اعتصاب سراسری کارگران راه آهن آغاز شد

صبح امروز پنجم آبانماه کارگران راه آهن نواحی ریلی برخی استانها از جمله هرمزگان، شاهرود، دامغان، سمنان، زاگرس و لرستان در پاسخ به فراخوان "شورای هماهنگی اعتراضات کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن" اعتصاب خود را آغاز کردند و در محل کارشان دست به تجمع زدند. در این روز کارگران تعمیرات جاری دیزلهای تهران نیز از رفتن به سرکار خودداری کردند. اعتصاب سراسری کارگران راه آهن تا دهم آبانماه ادامه خواهد داشت. ۶۵۰۰ کارگر راه آهن سالهاست که با معضل دیرکرد پرداخت دستمزدهایشان روبرو هستند. این کارگران در حال حاضر دستکم سه ماه دستمزد و چندین سال حق سنوات خود را طلب دارند. این سومین دور اعتصابات کارگران راه آهن است. در دور اول و دوم اعتراضات کارگران خطوط فنی راه

آهن از ۲۹ تیر ماه سال جاری تا ۱۷ مرداد ماه و همچنین از سوم شهریور تا پنجم شهریور کارگران بعد اینکه بخشی از مطالباتشان انجام شد به اعتصاب خود خاتمه دادند و اعلام کردند که اگر به تعهدات عمل نشود دوباره باز خواهند گشت. کارگران راه آهن خواستهای فوری خود را در هفت بند اعلام کرده اند که عبارتند از: تسویه حساب کامل حقوقها، پرداخت بیمه درمانی، لغو قراردادهای موقت و انعقاد قراردادهای دائم کاری، حق تشکل، داشتن حق تجمع و برگزاری آن در هر زمان که کارگر برای طرح مشکلاتش نیاز دارد، متوقف کردن اخراج کارگران تحت عنوان "تعدیلی" و اعلام تاریخ دقیق پرداخت حقوق از سوی مدیریت. کارگران اعلام کرده اند که اینها خواستهای همه کارگران راه آهن در سراسر ایران است و باید فوراً عملی شود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۵ آبان ۱۳۹۷، ۲۷ اکتبر ۲۰۱۸

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم. یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند. اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتوانند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پرشور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

تیر ۱۳۹۷

که تنها امید جمهوری اسلامی بعد از خروج آمریکا از برجام اتحادیه اروپا است. وقت آن فرا رسیده است که با فشار بر روی دولت های غربی زمینه های قطع روابط دیپلماتیک، سیاسی و فرهنگی و نظامی دول اروپایی با جمهوری اسلامی فراهم آورده شود. جمهوری اسلامی چهل سال است که نزدیک به هشتاد میلیون جمعیت ایران را زیر حکومت ترور و سر نیزه خود قرار داده و در سطح جهانی نیز با حمایت و صدور تروریسم امنیت شهروندان جهان را به خطر انداخته است. شیشه عمر این حکومت در دست مردم ایران است که مبارزه جانانه ای را برای سرنگونی جمهوری اسلامی به پیش می برند. حمایت و پشتیبانی جهانی از مردم ایران بعنوان قربانیان اصلی تروریسم جمهوری اسلامی و انزوی بین المللی حکومت اسلامی بدون شك امر به گور سپردن دیکتاتوری مذهبی در ایران بوسیله انقلاب مردم را تسهیل خواهد کرد.

تروریسم و حکومت اسلامی

از صفحه ۴
اسلامی و دادن تصویر یک حکومت متعادل از این حکومت داعشی بوده است. و مدام به دلیل همین مماشات دچار دردسر و مشکل شده اند. مردم ایران دارند فریاد میزنند که این حکومت باید از نهادهای بین المللی بیرون رانده شود و زیر فشار قرار گیرد. اما گوش شنوا در این حکومتها نبوده است. و اکنون اینها دارند به چشم خویش بروشنی می بینند که در فرانسه و دانمارک و آلمان و کشورهای دیگر همچنان این حکومت مشغول سازمان دادن توطئه و ترور علیه شهروندان این کشورهاست.

رویدادهای اخیر فضایی را مهیا کرده است که مردم معترض در اروپا فشار دو چندانی بر دولت های حاکم بیاورند که با سازش و مماشات خود با جمهوری اسلامی پایان دهند. بویژه زمانی

توانسته اند قدمی در جهت بهبود رفاه، آسایش و معیشت مردم بردارند. در کنار اینها دیکته شدن سیاستهای مخرب ریاضت اقتصادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و وجود کارتهای قدرتمند آمریکایی و چند ملیتی بهمراه اژدهای گرسنه بانکی، باقیمانده تنمه جان کارگران و اقشار فقیر و تهیدست جامعه را نیز مکیده اند. در چنین شرایطی قیام و شورش گرسنگان و انقلاب بردگان امری محتوم است. و سر بلند کردن افراط گری و فاشیسم از جبهه ارتجاع نیز کاملاً قابل پیش بینی است. دقیقاً به همین خاطر است که بورژوازی در چنین مقاطعی کنترل دستگاه عریض و طویل بوروکراسی دولتی و نیروهای سرکوب گرش را به کسانی می سپارد که برای نجات سرمایه داری از جنس مرغوب هیتلری باشند. ترامپ و مینی ترامپ برزیلی فعلاً مدعیان اصلی و جدی این عرصه اند.

اینکه این جست و خیز راست افراطی چه قربانیانی از مردم بگیرد به تقابل طبقاتی بستگی دارد. اما شکست آنها در شرایطی که کل سرمایه داری در بن بست و بحران قرار دارد محتوم است.

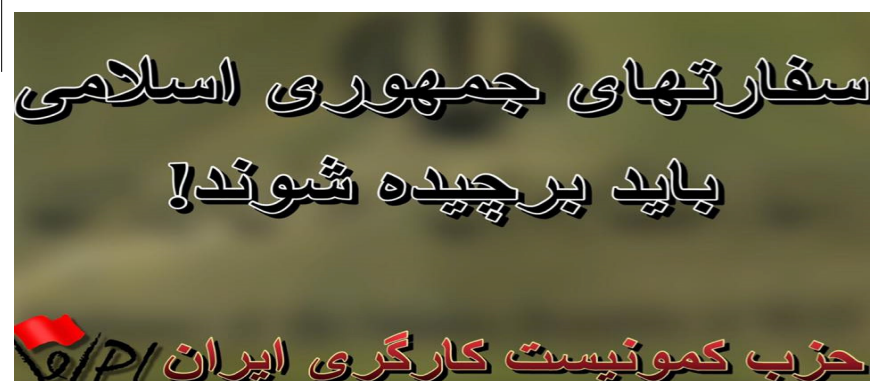
پیروزی مینی ترامپ در انتخابات برزیل

از صفحه ۴

خبرنگار "دویچه وله" در این باره می گوید، آنچه او می گوید را می توان مو به مو با سخنان هیتلر یکی دانست.

برزیل به عنوان بزرگترین اقتصاد آمریکای جنوبی مدتهاست که با بحرانهای عمیق سیاسی و اقتصادی روبرو است. بدهی و کسری بودجه صدها میلیارد دلاری دولت، فقر و فحشا، زاعه نشینی و عدم امنیت اجتماعی درگیری های مسلحانه روزانه که سالی بیش از شصت هزار نفر قربانی می گیرد تنها تصویر کوچکی از پانورامای جامعه به قهقرا سوق داده شده برزیل است که زندگی ده ها میلیون نفر را زیر چنبره خویش به نابودی می کشاند.

تجربه نشان داده طی حداقل پنجاه سال گذشته هیچکدام از جناحهای بورژوازی در پارلمان، چه جناح چپش مانند احزاب سوسیالیستی رنگ و وا رنگ و چه احزاب راست میانه یا افراطی در برزیل نه خواسته و نه



دختر میدان انقلاب کجاست؟

تشویق حاضرین، توسط ماموران نیروی انتظامی دستگیر شد و تا به امروز اطلاع دقیقی از موقعیت وی در دست نیست.

انقلاب زنانه به همه زنان ایران، فعالین حقوق زنان، فعالین اجتماعی، فعالین دانشجویی و دانشجویان و نیز به مردم مبارز، آزادیخواه و مدافع برابری، فراخوان میدهد پیگیر نام و نشان، موقعیت و حال دختر میدان انقلاب باشند و از همه امکان های شبکه های اجتماعی در اینترنت برای اطلاع رسانی در این زمینه استفاده کنند تا نگذاریم ستم بر زنان در ایران به یک مساله عادی تبدیل شود، و نگذاریم صدای نسل جوان و زنان ایران سرکوب شود.

انقلاب زنانه از خانواده دختر میدان انقلاب و دیگر خانواده های عزیزان بازداشت شده می خواهد هرچه زودتر خبر بازداشت و موقعیت عزیزانشان را رسانه ای کنند و مرعوب دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی نشوند و سکوت نکنند.

انقلاب زنانه به همه حاضران و متحدهای همبسته و معترض به حجاب اجباری و معترض به جمهوری اسلامی شوند. زنان در ایران نیروهای محرکه و قدرتمندی در جنبش های مبارزاتی علیه وضعیت موجود هستند، جنبش زنان در ایران اولین جنبشی بود که مقابل قوانین اسلامی و حکومت اسلامی ایستاده و امروز هم نشان داده که با جنبش سرنگونی بشدت اجین شده است، لذا حمایت همه جانبه از زنان و مبارزات زنان می تواند روند سرنگونی این حکومت ضد زن و زن ستیز را هموارتر کند.

روز دوشنبه هفتم آبان ۹۷، زن جوان و شجاعی، بدون حجاب در میدان انقلاب تهران بالای نماد گنبدی شکل آن رفت و با بادکنک های رنگی و شال سرخ بدست، به حجاب اجباری اعتراض کرد.

این اقدام در ادامه کارزار دختران خیابان انقلاب و در بستر اعتراضات جامعه علیه جمهوری اسلامی صورت گرفته و مهر تاییدی بر این مهم زد که زنان ایران نه تنها ترسی از احکام سنگین صادره برای دختران خیابان انقلاب ندارند، نه تنها مرعوب نمی شوند و عقب نشینی نمی کنند، بلکه در فاصله ۴۸ ساعت بعد از زیر گرفته شدن دختر دانشجوی شجاعی که مقابل گشت ارشاد دانشگاه آزاد سوهانک ایستاد، در یک حرکت علنی به حجاب اجباری اعتراض می کنند و جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر آن را به مصاف می خوانند.

این زن جوان دقیقی بعد از اقدام شجاعانه اش، در میان فریاد و

انقلاب زنانه

انقلاب زنانه به همه حاضران و متحدهای همبسته و معترض به حجاب اجباری و معترض به جمهوری اسلامی شوند. زنان در ایران نیروهای محرکه و قدرتمندی در جنبش های مبارزاتی علیه وضعیت موجود هستند، جنبش زنان در ایران اولین جنبشی بود که مقابل قوانین اسلامی و حکومت اسلامی ایستاده و امروز هم نشان داده که با جنبش سرنگونی بشدت اجین شده است، لذا حمایت همه جانبه از زنان و مبارزات زنان می تواند روند سرنگونی این حکومت ضد زن و زن ستیز را هموارتر کند.

#دختر میدان انقلاب کجاست؟

بود که مقابل قوانین اسلامی و حکومت اسلامی ایستاده و امروز هم نشان داده که با جنبش سرنگونی بشدت عجین شده است، لذا حمایت همه جانبه از زنان و مبارزات زنان می تواند روند سرنگونی این حکومت ضد زن و زن ستیز را هموارتر کند.

برداشتن حجاب حمایت خود را از دختر میدان انقلاب اعلام کنند.

انقلاب زنانه به همه حاضران و شاهدان عینی فراخوان میدهد در حرکت های همبسته و متحدهای معترض به حجاب اجباری و معترض به جمهوری اسلامی شوند. زنان در ایران نیروهای محرکه و قدرتمندی در جنبش های مبارزاتی علیه وضعیت موجود هستند، جنبش زنی در ایران اولین جنبشی

انقلاب زنانه
۹ آبان ۱۳۹۷
۳۱ اکتبر ۲۰۱۸

دانشجویان سراسر کشور

وقت اعتصابات سراسری شما فرارسیده است

زنده باد انقلاب انسانی

برای جامعه انسانی

علیه بگیر و بسندهایی که علیه دانشجویان در جریان بوده است بلکه در دفاع از مردم، در همبستگی با اعتصابات و اعتراضات سراسری، علیه فقر و گرانی و تبعیض و سرکوب و بی حقوقی، علیه اعدام و بی حقوقی زن و برای آزادی زندانیان سیاسی.

دانشجویان سراسر کشور، امروز جامعه به شما چشم دوخته است. شما را فرامیخوانیم که خود را برای اعتصاب در سراسر کشور آماده کنید.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد اعتصابات سراسری
زنده باد آزادی، برابری و سوسیالیسم

سازمان جوانان کمونیست
۲۱ مهر ۱۳۹۷
۱۴ اکتبر ۲۰۱۸

طوفانی تر در هفته ها و ماههای بعد است. جمهوری اسلامی هیچگاه در داخل کشور و در سطح منطقه و بین المللی چنان ضعیف و مستاصل نبوده است. هیچگاه اینچنین بی آبرو و بحرانی نبوده است. وقت آن است که دانشگاه ها نیز خود را برای اعتصابات سراسری و قدرتمند خود آماده کنند.

دانشگاهها همیشه یک سنگر محکم و مهم آزادیخواهی در جامعه بوده است. همیشه یک سنگر دفاع از حقوق کلیه مردم بوده است. روشن است که در ماههای گذشته فشارهای امنیتی و دستگیری و احکام سنگین علیه دانشجویان تشدید شده است. اما این قبل از هرچیز ترس حکومت از بیخاستن دانشجویان را نشان میدهد نه قدرت حکومت را. باید با قدرت بپاخیزیم و قدرت واقعی خود را به حکومت چپاول اسلامی نشان دهیم. نه تنها در دفاع از حقوق حقه دانشجویان و

اعتصابات سراسری هفته های گذشته، نشانه آشکاری از ورود جامعه به فاز جدیدی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی، علیه فقر و گرانی، علیه اعدام و بی حقوقی و علیه فساد و اختلاس و در یک کلام علیه موجود فرتوت و کریهه به نام جمهوری اسلامی است.

اعتصاب سراسری امروز معلمانی یکی از مهمترین اعتراضات سراسری است. اعتصاب سراسری ۲۱ شهریور در کردستان یکی از همه گیرترین و سیاسی ترین اعتصابات در کردستان بود. اعتصاب ۲۱ روزه رانندگان کامیون در ۳۲۰ شهر نیز اعتصابی بزرگ و قدرتمند و سازمان یافته بود. این اعتصابات بخوبی روند به جلو آمدن بخش های مختلف جامعه را نشان میدهد. نشان میدهد که چگونه اعتماد بنفس مردم بالا رفته و حکومت را زمینگیر میکنند. شتاب این اعتصابات در عین حال نشاندهنده روزهای بسیار



سیر تحولات جنبش زنان و انقلاب زنان

از صفحه ۶

اسلامی بود.

با ظهور جنبش اصلاحات و مشخصاً در دهه هشتاد، ما شاهد ظهور فعالینی هستیم که به ادعای خود قصد داشتند جنبش زنان را احیا کنند. ولی این جنبش که این طیف فعالین از دل اصلاحات احیا کردند، بسیار عقب تر آن جنبشی بود که سال ۵۷ عروج کرد و مقابل قوانین اسلامی ایستاد. جنبش احیا

فرمان خمینی به حجاب اجباری عروج پیدا کرد. رهبران و سازماندهندگان تظاهرات علیه حجاب، که فقط تظاهرات علیه حجاب نبود، بلکه تظاهرات علیه قوانین اسلامی بود، چپ ها، کمونیست ها، دانشجویان اساتید، پرستاران و زنان آزادیخواهی بودند که اعتراض داشتند و اعلام کردند ما نمیخواهیم قوانین اسلامی در جامعه حاکم باشد.

این جنبشی که ایجاد شد و از همان ابتدا خودش را این چنین نشان داد در واقع جنبشی بود که اصل اسلام به عنوان یک ایدئولوژی که نه تنها "زن" در آن هیچ جایگاه و منزلت انسانی ندارد، بلکه آن را بعنوان یک کالای جنسی و خدماتی برسیمت شناخته می شود، را بشدت بجالش می کشید. "جنبش نوین رهایی زن"، نه فقط به قوانین و فرهنگ مردسالار و سنت زده اعتراض داشته بلکه به کلیت اسلام بعنوان یک ایدئولوژی زن ستیزه قوانین اسلامی اعتراض دارد و جنبشی هست که با جنبش "ضد دین" و جنبش "ته به حکومت اسلامی" گره خورده است.

منتهی در دهه شصت، مشخصاً از خرداد ۶۰ به اینطرف، بعد از سرکوبهای شدید که جمهوری اسلامی در پروسه تثبیت خود بدست گرفت، با کشتارها و اعدام ها و قتل عام هایی که کرد، ما شاهد خروج تعداد زیادی از فعالین پیشرو و رادیکال جنبش زنان بودیم که خطر اعدام و مرگ بالایی سرشان بود. دهه شصت دوره جنگ و دوره سرکوبهای شدید بود.

در ده هفتاد هم همچنان شاهد سرکوبهای سنگینی بودیم، دوره هفتاد هم دوره خفقان ادامه داشت. اما با اینحال آن جنبش پیشرو زنان همچنان در جامعه موجود بود. این را با بررسی اقدامات جبهه مقابل که حکومت جمهوری اسلامی باشد، می توان اثبات کرد. ایجاد طرح های سرکوبگراییانه در راستای سیاست اسلامیزه کردن جامعه، استقرار گشت های مختلف در سطح جامعه بخشی از سیاست سرکوب جنبش پیشرو زنان بود که هر لحظه خطر عروج این جنبش بالای سر جمهوری

ما از آن صحبت کرده ایم، جنبشی سکولار، آزادیخواهانه و برابری طلب که در سال ۵۷ ایجاد شده بود، و همچنان به قوت خود باقی بود و هست.

اما اواخر دهه هشتاد، در خلال اعتراضات سال ۸۸، جنبش نوین رهایی زن با حضور زنان در صف اول مبارزات یکبار دیگر عروج پیدا کرد و درخشید، نه فقط در بیان خواسته ها و مطالبات پیشرو و رادیکال زنان، بلکه در تعیین تکلیف در



شیرین شمس

عرصه سیاسی.

در دهه نود موج مقابله با حجاب اجباری گسترش پیدا کرد، با حجاب برگیرانهای گسترده، یکبار دیگر شاهد عروج جنبش سکولار، پیشرو و رادیکال زنان هستیم که مبارزه با حجاب را که به پاشنه آشیل جمهوری اسلامی معروف است، محور مبارزه خود با جمهوری اسلامی قرار داده است. مبارزه با حجاب به یمن شبکه های اجتماعی چهره واقعی جامعه ایران، بخصوص زنان ایران را به معرض نمایش گذاشت که به شدید ترین شکل ممکن حکومت اسلامی را به چالش می کشد و روی ارزشها و ارکان این حکومت زن ستیز پا میگذارد. دهه نود جلال تنگتنگ زنان با حکومت بر قوانین اسلامی و زن ستیز بوده و هست. از دل جنبش نوین رهایی زن در دهه نود، فعالینی چون آتنا داشمی و گلرخ ایرایی ظهور کردند که مورد سرکوب واقع شدند. و بالاخره دختران خیابان انقلاب که از دل اعتراضات سراسری دیماه ۹۶ بیرون آمدند. جنبش نوین رهایی زن امروز در عرصه سیاسی یک وزنه سیاسی جدی و سرنوشت ساز تلقی میشود، از آنجایی که هدف این جنبش رهایی زن است و نقدی طبقاتی بر روی شرایط موجود میگذارد، کاملاً به اتفاق سال ۵۷ پیوند خورده است.

لویی جرگه به سبک احزاب حاکم ...

از صفحه ۶

از نظر سیاسی برای احزاب حاکم بر کردستان عراق حکمت این طرح عقب مانده در این است که تجربه تعطیلی دو سال پارلمان کردستان عراق که در کشاکش دعوی احزاب رقیب و درگیر خاطر تقسیم ثروت و قدرت اتفاق افتاد دوباره تکرار نشود و از سوی دیگر به دلیل همزیستی عمیق و جدایی ناپذیر احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق با جریانات اسلامی این را نشان میدهد که ناسیونالیسم به اندازه کافی در قعر ارتجاع جای گرفته است که برای گماردن رئیس پارلمان به فردی که از همه نمایندگان پارلمان حکومت مسن تر است رجوع کنند.

خاصیت دوم این طرح برای احزاب حاکم بر کردستان عراق این است که از دعوا بر سر تقسیم پست و ثروت که در دور قبلی بمدت دو سال پارلمان اقلیم را به تعطیلی کشانید اندکی جلوگیری کرده باشند.

پس رفت این مناسبات عمیقاً در ساختار حکومتهای محلی و در اشکال ملوک الطوائفی و عشیره ای تبلور یافته است و نمونه آنرا در کردستان عراق بوضوح می بینیم. احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد به هر اندازه که ادعای "دمکرات" بودن هم داشته باشند، اینجا و در کردستان عراق به یکی از سنتهای ارتجاع اسلامی، قومی، طایفه ای و عشیره ای مبنی بر گماردن ریش سفید محل در یک نهاد، پارلمان چنگ انداخته اند. از سوی دیگر احزاب و جریانات ناسیونالیست اپوزیسیون کرد حکومت اسلامی مستقر در کردستان عراق سالها است تلاش میکنند از ساختار حکومت اقلیم برای آینده تحولات سیاسی در کردستان ایران کپی برداری کنند. آنان خیال میکنند قرار است به محض بزیر کشیده شدن حکومت اسلامی در ایران توسط انقلاب مردم، این الگوی عقب مانده را به کردستان ایران صادر کنند و کپی حکومت امتحان پس داده بارزانی، طالبانی و هم پیمانی شان با جریانات و احزاب اسلامی را برای مردم کردستان ایران به رمغان بیاورند.

با قاطعیت تمام باید گفت که این سناریوی عقب مانده در کردستان ایران قابل تحقق نیست. از مقطع ظهور

دایناسورهای اسلامی حاکم بر ایران مردم شهرهای کردستان از سر خواستهای آزادیخواهانه، برابری طلبانه و چپ در مقابل هر گونه پست رفتی ایستادند. مردم شهرهای کردستان ایران دچار فراموشی نسبت به کارنامه احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد نشده اند. آنان بخوبی بیاد دارند که حزب ناسیونالیست کرد برای سجد و آستانبوسی بدرگاه خمینی صف کشیده بودند و ذوق زده منتظر گمارده شدن برای حاکمیت بر چند روستا بودند که توسط همان مردم افشا و رسوا شدند. همگان بخاطر دارند که تا همین یکسال قبل به مردم فراخوان میدادند که در انتخابات نمایندگان مجلس اسلامی و غیره شرکت کنند و به اصلاح طلبان رای دهند. مردم کردستان ایران، اهداف، سیاست و عملکرد قریب به سه دهه احزاب ناسیونالیست کرد در حاکمیت اقلیم کردستان عراق را از نزدیک عمیقاً دیده و لمس کرده اند. جامعه ایران و مردم شهرهای کردستان ایران عمیقاً تشنه رفاه، آزادی، همسرنوشتی انسانی و طبقاتی هستند. حقوق برابر شهروندی خواست مردم است. تبدیل جغرافیای ایران به جدولهای متفاوت بر اساس، ملذخ، ملیت، قوم و قبیله و تاسیس حکومتهای محلی فدرال بعنوان ساختار سیاسی توسط ناسیونالیسم کرد، فارس، ترک، بلوچ و الگویی کردستان عراق و بعد از گذشت دو دهه از قرن بیست و یکم نه تنها از نظر مردم چندش آور است بلکه لکه ننگی بر پیشانی جوامع امروزی است.

جنبش کارگری، فعالین و چهره های حی و حاضر جنبشهای اجتماعی، مدرن، مترقی و چپ در شهرهای کردستان در همسویی با مبارزات بهم تنیده سیاسی اجتماعی خود در سراسر کشور نه تنها اجازه نخواهند داد که سناریوی عراق و فضاقت ناسیونالیسم کرد در قامت عشیره بارزانی و طایفه طالبانی در کردستان ایران سر بلند کند بلکه با طرح مطالبات انسانی، طبقاتی و تلاش برای تحقق حقوق شهروندی در سراسر ایران، آرزوهای عقب مانده احزاب و جنبش به بن بست رسیده ناسیونالیسم کرد، فارس، ترک و غیره را بیش از این افشا، ترد و حاشیه ای خواهند کرد.

۸ آبان ۹۷ / ۱۳۰ اکتبر ۲۰۱۸

دانشجویان در همبستگی با اعتصابات سراسری معلمان و علیه وضعیت ضدانسانی موجود دست به تجمع و اعتراض زدند

روزهای دوشنبه ۲۳ و سه شنبه ۲۴ مهرماه ۹۷ دانشجویان دانشگاه های "دانشگاه تهران، دانشگاه هنر تهران، دانشگاه علامه، دانشگاه شیراز، دانشگاه بهشتی، دانشگاه آزاد سنندج، دانشگاه آزاد یزد" در همبستگی با اعتصاب سراسری معلمان، علیه کالایی سازی آموزش و علیه شرایط ضدانسانی موجود دست به تجمع اعتراضی در صحن دانشگاه هایشان زدند.

در همین رابطه شوراهای صنفی دانشجویان سراسر کشور از اعتصاب سراسری معلمان حمایت کرده و بیانیه ای در این رابطه منتشر کردند و اعلام کردند معلمان و دانشجویان در مسیری مشترک هستند.

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران:

در همین راستا ۲۳ مهرماه جمعی از دانشجویان دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران در اعتراض به حضور حسن روحانی در سالن این دانشکده اقدام به اعتصاب و برگزاری تجمع اعتراضی کردند. در ادامه در ۲۴ مهرماه در همبستگی با اعتصاب سراسری معلمان نیز تجمع اعتراضی در صحن دانشگاه تهران برگزار کرده و با شعارهای "تا معلم در حبس است در کلاسها بسته است و دانشجوی معلم کارگر اتحاد اتحاد" حمایت خود را از این اعتصاب اعلام نمودند.

دانشگاه هنر تهران:

روز سه شنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۹۷ تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه هنر تهران در حمایت از اعتصاب سراسری معلمان و با خواست آزادی زندانیان سیاسی، معلمان زندانی و دانشجویان زندانی با شعارهای "معلم زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، دانشجو معلم کارگر اتحاد اتحاد" برگزار گردید.

دانشگاه علامه:

روز ۲۳ مهر در دانشگاه علامه جمعی از دانشجویان با اعلام همبستگی و حمایت از اعتصاب سراسری معلمان اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

دانشگاه شیراز:

دوشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۹۷ دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به پولی سازی دانشگاهها و کالایی سازی آموزش، روبروی ساختمان مدیریت دست به اعتصاب زدند و نسبت به سیاست خصوصی سازی و کالایی سازی آموزش و تحصیل اعتراض خود را نشان دادند.

دانشگاه آزاد سنندج:

روز دوشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۹۷ دانشجویان دانشگاه سنندج نیز در اعتراض به حذف رشته مامایی و پرستاری تجمع اعتراضی را برگزار کردند.

دانشگاه آزاد یزد:

اعتراض دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد یزد به علت مانع شدن از حضور دانشجویان در کلاس با توجیه عوض شدن سهمیه ذخیره پذیرش انجام گرفته است.

دانشگاه بهشتی:

دانشجویان دانشگاه بهشتی در اعتراض به قطع آب، برق و گاز برای سرعت بخشیدن به تخلیه ساختمانهای دو خوابگاه اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

جواب این شرایط را داد. در این روند اعتصاب عمومی و سراسری که توسط جنبشهای مبارزاتی و بخشهای مختلف جامعه در حال گسترش است لازم میدانیم که دانشجویان بصورت فعالانه، اعتصابات سراسری در دانشگاه های کشور را سازمان دهند و همبسته با سایر بخشهای جامعه علیه وضعیت ضدانسانی موجود اعتراض کنند. باید بتوان با سازماندهی اعتصابات سراسری در دانشگاه ها این بخش مهم جامعه را هم به اعتصابات عمومی و سراسری موجود وصل کرد. ما بار دیگر اعلام میکنیم که "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمامه ماجرا". برای برون رفت از این وضعیت باید اعتصابات سراسری را گسترش داد و بصورت متشکل و متحزب جنبش سرنگونی بتواند جمهوری اسلامی را از سر راه جامعه ایران بردارد و ما کارگران و مردم زحمتکش از طریق رهبری سیاسی و شوراهایشان، حکومت و قوانین انسانی و جامعه ای برابر را برپا کنیم. ما خواهان ایجاد سیستم، قوانین، فرهنگی و جامعه ای انسانی، عدالت محور و برابر برای همگان هستیم.

مطالبات اکثریت جامعه و دانشجویان را بار دیگر شرح زیر اعلام میکنیم:

۱. آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی. لغو فوری همه احکام صادره برای کنشگران در سطح جامعه و فعالین دانشجویی
۲. آزادی های بی قید و شرط سیاسی مانند آزادی بیان، تجمع، مطبوعات، تشکل، اعتراض، اعتصاب، و سایر فعالیت های دانشجویی نظیر کلپ های فرهنگی و علمی وغیره و آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد.
۳. لغو حجاب اجباری و انتخاب آزادانه پوشش، لغو قوانین تبعیض

آمیز علیه زنان و لغو تفکیک جنسیتی به هر شکل و در هر زمینه.

۴. رفع هر گونه تبعیض علیه کلیه شهروندان با هر نوع گرایش و تمایل جنسی.
۵. انحلال فوری همه نیروهای نظامی، شبه نظامی و امنیتی مانند کمیته های انضباطی، حراست، نمایندگی رهبری و غیره در دانشگاه. ممنوعیت اکید ورود پلیس و نیروی انتظامی به دانشگاه.
۶. جدایی دین از آموزش و پرورش و دانشگاه ها و جدائی کامل مذهب از دولت و از سیستم قضائی
۷. خاتمه بخشیدن به فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و افزایش فوری دستمزدها و حقوقها متناسب با سطح هزینه ها، تامین درمان، بهداشت و تحصیل رایگان برای همگان
۸. لغو هرگونه گزینش و امتحان ایدئولوژیک مذهبی، عقیدتی و سیاسی برای ورود به دانشگاه ها. لغو فوری همه احکام اخراج و و بازگرداندن فوری همه دانشجویان و استادان اخراجی.
۹. انتخابی شدن همه مدیران و

مقامات دانشگاهها توسط دانشجویان و استادان.

۱۰. تامین بالاترین استانداردها برای تحصیل و امکانات رفاهی دانشجویان. از قبیل لغو شهریه، تامین خوابگاه مناسب، پرداخت کمک هزینه، تامین دانشگاه و فضای تحصیلی کافی برای همه متقاضیان ورود به دانشگاه و...
۱۱. برسمیت شناسی حقوق برابر برای همه شهروندان و ساکنین در جامعه مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت و لغو مجازات اعدام.

سرنگون یاد جمهوری اسلامی
زنده باد اعتصاب عمومی و
سراسری
زنده باد مبارزات همسته
دانشجویان، کارگران، معلمان، زنان
و رنگین کمائی ها
زنده باد آزادی، برابری، زنده باد
سوسیالیسم
سازمان جوانان کمونیست
۲۴ مهر ۱۳۹۷
۱۶ اکتبر ۲۰۱۸



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود